

اصل برائت یا (فرض بی گناهی متهم) در حقوق موضوعه ایران

شهرام روشندل

مدرس دانشگاه، پژوهشگر دکترای تخصصی حقوق جزا و جرم شناسی، عضو رسمی مرکز وکلا، کارشناسان و مشاوران خانواده قوه قضاییه

چکیده

زمینه و هدف؛ مطالب پیش رو، تحت عنوان اصل برائت (فرض بر بی گناهی متهم) در حقوق موضوعه ایران اسلامی می باشد. اصل برائت کیفری با فرض بیگناهی برای اولین بار به صورت صریح و روشن در ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر فرانسه به سال ۱۷۸۹ مورد اشاره قرار گرفته است و از آنجائیکه امروزه سیستم دادرسی حاکم بر اکثر نظام های قانونی دنیا از جمله سیستم حقوقی ایران سیستمی است مبنی بر تلفیقی از سیستم دلیل قانونی و سیستم اقرار وجدان قاضی که به نظر میرسد، نزدیکترین راه به عدالت و انصاف می باشد و قبول اینکه اولین نهاد حقوقی که اصل برائت را به صورت حقوقی و بنا همان معنای امروزی آن قبول کرد، نظام حقوقی اسلام می باشد. اصل برائت به عنوان یکی از اصول حاکم بر حقوق کیفری و دادرسی های جزایی که ارتباط عمیقی با حفظ حقوق و آزادیهای فردی در جامعه دارد، در اسناد بین المللی حقوق بشر از جایگاه ارزشمندی برخوردار بوده و در قانون اساسی و قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد بیان و تأکید قرار گرفته است. روش پژوهش؛ روش تحقیق در این پروپزال، توصیفی - تحلیلی بوده است، در این پژوهش با استفاده از بانک های اطلاعاتی و شبکه های کامپیوتری و فیش برداری تحقیق و بررسی صورت گرفت. یافته های پژوهش؛ یافته های پژوهش بیانگر آن است که صرف نظر از این شناسایی در اسناد بین المللی و حقوق داخلی، اولاً رویه قضایی ما همگام با سیاست تقنینی مزبور نیست و از تئوری تا عمل در نهادینه کردن اصل برائت و آثار آن در دادرسی های کیفری فاصله زیادی هست و ثانیاً در قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران مواردی دیده می شود که نشان از بی توجهی یا عدم اعتقاد مقنن به این اصل مهم حقوق کیفری است و لذا جا دارد که اولاً مقنن ایرانی گام های عمده و اساسی در این راستا بردارد و ثانیاً رویه قضایی فعال تر و توانمندتر از گذشته به قوانین مرتبط با اصل برائت و آثار آن پایبند باشد و این مقررات در جهت و راستای حقوق متهم بکار گیرد.

واژه های کلیدی: اصل برائت، اصل مجرمیت، قانونگذاری کیفری، بار اثبات دعوی، اصول حقوق بشری

مقدمه

همانگونه که می دانیم مهم ترین اثر اصل برائت این است که افراد تا زمانیکه اتهامشان در یک دادگاه صالح و طبق اصول یک دادرسی عادلانه اثبات نشده باشد، بی گناه محسوب می گردند و مهم ترین اثر بی گناهی فرد اینست که تمام حقوق و آزادیهای او به دیده احترام نگاشته شود. برای احترام به اصل برائت و رعایت آن لازم و ضروری است که از مرحله کشف جرم گرفته تا تعقیب، رسیدگی و محکومیت متهم، یکسری از تشریفات و مواردی رعایت گردد، لذا در این فصل تشریفات و مواردی که هنگام کشف و تعقیب جرم در برخورد با افراد بایستی صورت بگیرد و در اسناد بین المللی و حقوق کیفری داخلی آمده است، مورد بررسی قرار می گیرند. بنابراین اصل بر این است که هیچکس فعلی را که عنوان مجرمانه دارد انجام نداده است تا اینکه انجام فعل مجرمانه در دادگاه صلاحیت دار، بر اساس دلایل احصاء شده قانونی به اثبات برسد، در آن صورت شخص به عنوان مجرم شناخته می شود. (حبیب زاده، ۷۸:۱۳۹۸)

در رسیدگی های قضائی چنانچه برای اثبات جرم دلایل کافی وجود داشته باشد قاضی بر اساس آن دلایل به موضوع رسیدگی نموده و حکم قضیه را صادر می کند ولی مشکل جایی است که دلایل کافی برای اثبات جرم وجود ندارد مثلاً می دانیم که سرقت جرم است و می دانیم سرقتی هم انجام یافته است و شخصی را هم به عنوان متهم به دادگاه معرفی کرده اند ولی نمی دانیم که آیا او واقعاً مرتکب جرم شده است یا نه؟ از طرفی شخص متهم نیز منکر قضیه است و دلایل استنادی نیز مثبت قضیه نیست در این صورت وظیفه قاضی چیست؟ آیا باید به صرف ارتکاب جرم و حضور متهم در دادگاه او را محکوم نماید یا اینکه وظیفه قاضی در اینجا چیز دیگری است یعنی بر اساس اصل برائت او را تبرئه نماید؟ اصل برائت عبارت از فرض بی گناهی متهم تا زمان اثبات گناهکاری وی در دادگاه صالح می باشد. این اصل دارای اهمیت زیادی بوده و تدبیر گسترده ای بر تحقق عدالت و رعایت حقوق بشر دارد. که متأسفانه در برخی از قوانین عادی ما عباراتی مشاهده می گردد که نشان از بی توجهی قانونگذار به این اصل مهم حقوق کیفری می باشد، به عنوان نمونه، قانونگذار عادی در ماده (۱) ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۷۸ به جای کلمه متهم از کلمه مجرم استفاده نموده است. درحالیکه می دانیم یکی از لوازم اصل برائت، فرض بی گناهی فرد تا اثبات جرم او در یک دادگاه صالح و با رعایت اصول یک دادرسی عادلانه می باشد و این ماده در واقع نشان میدهد که قانونگذار عادی به قانون اساسی و اسناد بین المللی بی توجه بوده است. (حسن زاده، ۱۴۰۱: ۳۳) و لذا ضرورت دارد ضمن تبیین اسناد بین المللی و نظام تقنینی ایران نسبت به رفع اشکالات مربوطه اقدام گردد. لذا در این مقاله دنبال پاسخ به سؤالات زیر هستیم: اصل برائت چه جایگاهی در اسناد بین المللی حقوق بشر اعم از جهانی و منطقه ای دارد؟ سیاست تقنینی و قضایی جمهوری ایران نسبت به اصل برائت چگونه است؟ نظام حقوقی ایران در زمینه اصل برائت، تا چه اندازه منطبق با اسناد بین المللی است؟

از طرفی بر فرض اینکه قاضی بخواهد این اصل را اعمال نماید آیا حق استفاده مطلق دارد یا نه؟ یعنی از یک طرف دلایلی علیه متهم وجود دارد و از طرف دیگر اصل برائت به عنوان یک قاعده کلی در دست قاضی باشد و او دلایل را نادیده گرفته به اصل برائت عمل نماید یا اینکه اعمال این اصل توسط قاضی منوط به قیود و شرایطی است و به عبارت دیگر آیا قاضی حق دارد اصل برائت را در مقابل ادله قرار داده و به اصل عمل نماید؟ و بر فرض اینکه اعمال اصل منوط به شرایطی می باشد آن شرایط چیست؟ از طرفی آیا به صرف فقدان دلیل می توان به اصل برائت تمسک جست؟

سؤال دیگری که در اینجا مطرح می شود این است که چنانچه به اصل براءت عمل شود چه آثار و نتایجی به دنبال دارد؟ و اصولاً مبنی و منشأ حجیت این اصل چیست؟ و آیا اصل براءتی که در قوانین وجود دارد با اصل براءت شرعیه (اصل براءتی که در مورد احکام شرعیه مورد استفاده قرار می گیرد) رابطه ای وجود دارد یا نه؟

از طرفی اصول دیگری نیز وجود دارند که بی شباهت به اصل براءت نیستند مثل اصل عدم، اصل اباحه و استصحاب عدم، که برای روشن شدن آنها باید جداگانه مورد بحث قرار گیرند و وجه تشابه و افتراق اصل براءت با این اصول نیز روشن شود، اینها مطالبی است که به طور مشروح درباره آنها سخن خواهیم گفت.

تفاوت اصل براءت با دیگر اصول تنها نتیجه علمی دارد نه عملی.

۱- تاریخچه، تعریف، تقسیم و مقایسه اصل براءت با سایر اصول

اصل براءت یکی از درخشان ترین دستاوردهای تمدن بشری است که ریشه در فطرت عدالت خواه بشر و عقل سلیم وی دارد. امروزه، این اصل از بنیادی ترین اصول حقوقی هر نظام کیفری قانونمند است؛ هم چنانکه اولین رکن و اساسی ترین پایه در قانون آیین دادرسی کیفری به شمار می رود. اصل براءت محصول فکری یک یا چند متفکر یا حقوقدان نیست، بلکه اندیشه اندیشمندان در قرون متمادی آن را ایجاد کرده است. این اصل حافظ بسیاری از حقوق و آزادیهای اساسی است اصل براءت یکی از اصول مترقی است که دارای سابقه طولانی می باشد و امروزه مورد قبول همه نهادهای آیین دادرسی کیفری قرار گرفته است. (لطفی خاچکی، ۱۳۸۹: ۸۲) در حقوق ایران نیز مقررات مختلفی در مورد اصل براءت وجود دارد از جمله اصل ۳۷ قانون اساسی که مقرر میدارد: «اصل براءت است و هیچ کس از مجرای قانونی مجرم شناخته نمی شود مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.» قانون آیین دادرسی به صراحت اصل براءت را بیان نکرده اما آثار این اصل در مواد مختلفی بیان گردیده است ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی این اصل را مورد تصریح قرار داده اسنت «اصل، براءت است بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات کند در غیر این صورت با سوگند خوانده حکم براءت صادر خواهد شد.» اصل براءت گرچه یک اصل بسیار قدیمی است اما مفهومی که در آن زمان ها از اصل براءت وجود داشته با آنچه که امروزه به عنوان یکی از اصول اساسی آیین دادرسی مطرح است تفاوت فراوان دارد و آن زمان اصل براءت به صورت ناقص در قالب آزمونهای اوردالی اعمال می شد و اولین نهاد حقوقی که اصل براءت را به صورت حقوقی و با همان معنای امروزی آن قبول کرد، نهاد حقوقی اسلام می باشد. (ملکی، ۱۳۹۳: ۵۵)

۱-۱- تاریخچه اصل براءت

قضات رومی اصل براءت را بخصوص پس از انقراض روم غربی و حمله ژرمن ها نپذیرفتند و متهم بایستی بی گناهی خود را ثابت کند. متداول ترین دلیل بر اثبات بی گناهی، قسم متهم بود و گاهی نیز بایستی افراد دیگری هم با وی هم قسم شوند به این معنی که حسن شهرت متهم را تأیید کنند مثلاً در دوره سلطنت «کارولنژین ها» لازم بود که در مورد اتهام به سرقت گله ۱۲ تن و در برخی از موارد ۲۴ تن با متهم هم قسم شوند این تعداد نه تنها به اهمیت جرم بلکه به موقعیت اجتماعی متهم نیز بستگی داشت و به همین دلیل بود که ملکه «فردگوند» که متهم به زنا بود نه تنها خود قسم به بیگناهی خویشتن خورد بلکه ۳۰۰ تن دیگر با وی هم قسم شدند و او را از این اتهام بری کردند به هر حال فقدان اصل براءت یا به عبارت دیگر، این امر که متهم بایستی بی گناهی خود را ثابت کند، فقط بین قرن چهارم تا ششم میلادی یعنی پس از حمله وحشیان ژرمنی پذیرفته شده بود در این دوره اگر شخص هم قسم پیدا نمی کرد معمولاً قسم وی کافی تشخیص داده نمی شد و لاجرم می بایست به «ورگرم» یا «ورسرد» که در زبان های اروپایی (Ordalie) اوردالی (اوردالی زا لغت نامه لاروس به شرح زیر تعریف نموده است:

اوردالی عبارت است از دلیل قضائی که تحت عنوان قضاوت الهی در قرون وسطی و پیش از آن متداول بوده است.) یا قضاوت الهی موسوم است تن در دهد. توسل به این نوع از دلیل که خود یادگار دوران بت پرستی است با توجه به این طرز تفکر بوده که هرگاه متهم واقعاً بی گناه باشد خداوند به او کمک می کند به عنوان مثال متهم دست خود را داخل ظرف آبی جوشان به منظور بیرون آوردن شیئی می نمود و یا آهن گداخته ای را در دست می گرفت و ۹ قدم راه می رفت و بلافاصله هر دو دست او پانسمن می گشت در صورتی که دست او پس از چند روز التیام می یافت این امر دال بر بس گناهی او محسوب می شد. در غیر این صورت بزهکاری او ثابت می گشت. انجام این اعمال از جانب متهم نمایانگر این مطلب است که متهم می بایست بی گناهی خود را ثابت نماید و این خلاف اصل برائت است. (آشوری، ۱۳۷۶: ۶)

در ایران قبل از اسلام نیز توسل به «ورد گرم» و «ورد سرد» وجود داشته است برای اثبات بی گناهی متهم در «ورد گرم» روغن داغ و یا آتش به کار می رفته است. در همه مکاتب الهی و غیرالهی نیز همین شیوه وجود داشته چنانکه در مجمع القوانين حمورابی آمده و شامل جریان به آتش افکنده شدن ابراهیم (ع) در آن بی اثر نبوده است. در «ورد سرد» از شیر گیاهان، زهارهای مختلف، آب و دیگر چیزها استفاده می شده است که داستان به آتش رفتن سیاوش در شاهنامه اشاره به استفاده از «ورد گرم» است، بنابراین توسل به اوردالی در آن زمان که بر اساس آن متهم بی گناهی خود را اثبات می کرد نمودار این مطلب است که اصل برائت به عنوان یک قاعده در امور قضائی به شمار نمی رفته است بلکه اصل اولیه مجرمیت متهم بود مگر اینکه او بی گناهی خود را ثابت می کرده است. (توفیل، ۱۳۷۳: ۴۳)

همزمان با ظهور اسلام در اروپا نیز دوئل قضائی که نوعی دیگر از اوردالی محسوب می شده است وجود داشته است. مثلاً در سرقت گله در صورتی که شاکی از قسم متهم ممانعت می کرد و یا شهود متهم را رد می کرد می توانست او را به مبارزه دعوت کند این مبارزه در حضور قضاوت انجام می شد. این نوع دوئل که بین شاکی و متهم تا غروب آفتاب ادامه می یافت در صورتی که متهم مقاومت می نمود بی گناهی او ثابت می گشت.

بند ۲ از منشور حمورابی نیز در مورد اتهام به جادوگری، توسل به ورد سرد را پذیرفته بود که بر اساس آن اگر کسی شخصی را به جادوگری متهم کند و نتواند ادعای مزبور را ثابت نماید آن کس که متهم به جادوگری شده است می تواند به رودخانه رفته و در داخل رودخانه غوطه ور شود اگر رودخانه او را غرق کند مدعی، خانه او را تصاحب می کند ولی اگر رودخانه بی گناهی او را ثابت نماید شخص مدعی کشته و اموال و خانه مدعی نیز به متهم داده می شود. و ماده ۱۳۲ این منشور نیز مورد دیگری از اوردالی محسوب می شود که به موجب آن، هرگاه زن شوهرداری متهم به هم خوابگی با فرد اجنبی شود ولیکن او را با آن فرد هم بستر ندیده باشند زن مذکور باید برای بی گناهی خود در نهر مقدس یکبار غوطه ور شود. (حجتی کرمانی، ۱۳۸۹: ۱۲۶) از طرفی در اروپای قرون وسطی نیز اوردالی به عنوان یک دلیل قضائی محسوب می شد که متهم به وسیله آن بی گناهی خود را ثابت می کرد و ظاهراً در سال ۱۲۱۵ میلادی به موجب تصمیم متخذ در چهارمین شورای روحانیون عالی مرتبه دین مسیح ممنوع اعلام شده است. (آشوری، ۱۳۸۴: ۹۳)

۱-۲- تعریف و تقسیم اصل برائت

۱-۲-۲- تعریف اصل برائت

انسان از شان و منزلت بالایی برخوردار بوده و نباید آبروی او به آسانی در معرض تهدید قرار گیرد بنابراین مفهوم اصل برائت در حقوق داخلی و خارجی بسیار مورد توجه است که به معنای بی گناهی افراد تا قبل از اثبات جرم و رای دادگاه می باشد که در متن مقاله به طور کامل توضیح داده شده است. واژه برائت در لغت به معنی خالصی از عیب و تهیوت، رهای از بدی، بیزاری از

چیزی و پاک شدن است. و در اصلاح اصولیین اصول برائت عبارت است از: «حکم به عدم ثبوت تکلیف برای مکلف در موردی که اصول وجود تکلیف مشکک باشد.» (شرتونی، ۱۳۹۰: ۱۸۹) اصل بر برائت است یعنی همه افراد انسانی تا قبل از صدور حکم قطعی در دادگاه با استناد به ادله کافی بی گناه بوده و نباید آن‌ها را مجازات کرد. به عبارت دیگر: اصل برائت «فقدان عمل بر هم زنده وضع سابق می باشد» مثلاً می دانیم که سرقت جرم است و سرقتی هم واقع شده است و شخصی هم به عنوان متهم به دادگاه احضار شده است و لکن دلایل اثباتی جهت انتساب جرم به او موجود نیست از طرفی متهم شدیداً منکر قضیه است لذا حکم بر برائت وی صادر می گردد. این تعریف از اصل سی و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به خوبی استنباط می شود چنانچه این اصل بیان می دارد که: «اصل برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود» مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.» (رحمدل، ۱۳۸۵: ۹۳)

منظور از حکم ظاهری عمل به اصل می باشد که صرفنظر از واقعیت امر به ظاهر حکم داده می شود در امور جزائی وقتی کسی مظنون به ارتکاب جرمی می شود و پس از آنکه تحت تعقیب و دادرسی قرار می گیرد تقدم حکومت اصل برائت حامی و پشتیبان اوست قاضی در شروع به دادرسی متهم را به صورت یک جنایتکار نگاه نمی کند بلکه او را فردی پاک و بی گناه می داند و معتقد است در امور جنائی اصل بر برائت می باشد.

۱-۲-۳- تقسیم اصل برائت

به نظر می رسد بتوان اصل برائت را به برائت قانونی و برائت عقلی تقسیم نمائیم یعنی اصل برائتی که از متن قانون استفاده می شود (برائت قانونی) و اصل برائتی که عقل و وجدان بر آن حاکم است. (برائت عقلی)

الف: برائت قانونی

برائت قانونی عبارت است از حکم قانونگذار بر عدم مجازات شخصی که جرم نسبت به او ثابت نشده است مبنای این نوع برائت مواد مصرح قانونی است که در قانون اساسی و دیگر قوانین عادی به چشم می خورد که بحث تفصیلی از آن مواد در مبحث «ضوابط قانونی اصل برائت» مورد بحث قرار خواهد گرفت.

ب: برائت عقلی

برائت عقلی عبارت از حکم عقل به عدم مجرمیت و عدم استحقاق عقاب نسبت به کسی که جرم او ثابت نشده است بنابراین چنانچه شخصی به جرمی متهم باشد و دلایل اثباتی علیه او وجود نداشته باشد عقل و وجدان بر تبرئه آن شخص و عدم ترقب هرگونه مجازاتی حکم عقل و وجدان بر تبرئه آن شخص و عدم ترتب هرگونه مجازاتی حکم می کند. به عبارت دیگر برائت عقلی حکم عقل به فقدان عملی بر هم زنده وضع سابق می باشد. زیرا هرکس پاک و منزه متولد می شود و دور از هرگونه تخلف زندگی شرافتمندانه خود را آغاز می کند، همه پاکند و اصل طهارت است. پس هرگاه ادعا شود که کسی مرتکب تخلفی از نظامات و قوانین شده، به حکم عقل پاکی و طهارت سابق او استصحاب می شود و اصل برائت ظاهر می گردد و مادام که با ارائه دلایل قاطع آن تغییر حالت سابق به ثبوت نرسد نمی توان به متهم با دید مجرمیت نگاه کرد. (هاشمی باجگانی، ۱۳۸۸: ۷۲)

ج: برائت شرعی

برائت شرعی؛ یعنی در هر مورد مشکوکی که مکلف اصل حکم واقعی را نداند، شارع مقدس با قرار دادن حکم ظاهری، تکلیف را از دوش مکلف بر می دارد. در قرآن نیز بر این مهم تاکید شده است. «ما کُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا» (اسراء: ۱۵) معنای آن این است که خداوند کسی را قبل از رسیدن بیان و حجت شرعی کیفر نمی کند. آیه بعد «وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ

هَدَهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ» (توبه: ۱۱۵) بر اساس این آیه تا وقتی بیان و تکلیف شرعی به انسان نرسیده باشد، در ارتکاب مشکوک آزاد بوده و کیفری نخواهد داشت. دانشمندان اصول فقه، برای اثبات برائت شرعی به روایاتی نیز تمسک نموده‌اند. (محمدباقر، ۱۴۲۶ق: ۴۵)

۱-۳- مقایسه اصل برائت با سایر اصول

اصول دیگری وجود دارند که شباهت زیادی با اصل برائت دارند و گاهی با اصل برائت مشتبه می‌شوند مهم‌ترین این اصول، اصل اباحه اصل عدم و استصحاب عدم می‌باشند که در ذیل به شرح آنها می‌پردازیم.

الف: مقایسه اصل برائت با اصل اباحه

ب: مقایسه اصل برائت با اصل عدم

ج: مقایسه اصل برائت با استصحاب عدم

۱-۳-۱- تعریف اصل اباحه و وجه افتراق تشابه به آن با اصل برائت

۱-۳-۱-۱- تعریف اصل اباحه

اصل اباحه بدین معناست که هرگاه درحلال و حرام بودن (جواز و عدم جواز) چیزی شک کردیم اصل این است که حرام نباشد. مثلاً تصرف در حریم به نحوی که زیانی برای صاحب حق حریم نداشته باشد.

مستند به اصل اباحه و آن تصرف جائز خواهد بود اینک به وجه تشابه و وجه افتراق این اصل با اصل برائت می‌پردازیم.

الف: وجه تشابه اصل اباحه با اصل برائت

شباهت زیادی بین این دو اصل وجود دارد من جمله اینکه هر دو آنها جزء اصول عقلیه هستند و دیگر اینکه هر دو آنها برای رفع شک و تردید مورد استفاده قرار می‌گیرند. (محمدی، ۱۳۸۴: ۲۲) با وجود شباهت‌هایی که بین آنها وجود دارد به تفاوت‌های آنها می‌پردازیم.

ب: وجه افتراق اصل اباحه با اصل برائت

۱- اصل برائت در مقام اثبات حکم ظاهری است یعنی با فرض اینکه ما واقعاً نمی‌دانیم آیا متهم مرتکب جرم کذایی شده یا نه، حکم بر برائت متهم صادر می‌کنیم در حالی که اصل اباحه برای شناختن حکم واقعی (حکم واقعی عبارت است از حکم قانونگذار در هر قضیه‌ای بدون توجه به علم و جهل مکلف و حکم ظاهری عبارت است از حکمی که با فرض جهل به حکم واقعی برای مسئله معین می‌شود). قضیه می‌باشد.

۲- اصل اباحه صرفاً اصل عقلی می‌باشد در حالی که اصل برائت ممکن است اصل عقلی باشد و ممکن است اصل قانونی. چرا که مبنی این اصل ممکن است بر اساس عقل باشد و یا بر اساس قانون. (محمدی، ۱۳۸۴: ۸۸)

۲- مبانی، اهداف و فلسفه وضع اصل برائت کیفری

اصل برائت به عنوان یکی از مهمترین تضمین‌های حقوق بشر، منور احترام همگان است این احترام و نفوذ، تنها نتیجه تاکید قوانین داخلی یا پیمان‌های بین‌المللی نیست اندیشه‌های فلسفی و اخلاقی فراوانی موبد آن است، چنانچه می‌توان ادعا کرد که اصل برائت در زمره حقوق فطری عصر ما قرار دارد. اصل برائت یا مفهوم و قلمرو گسترده‌ای که در حقوق کنونی پیدا کرده است، مبنای بسیاری از اصول دیگر نیز قرار می‌گیرد که در واقع شاخه‌های اصل برائت است و هر کدام قلمرو ویژه‌ای دارد. چنان که اصل مباح بودن (اصالة الاباحه)، اصل حاکمیت اراده و اصل آزادی قراردادی و اصل تکمیلی بودن قوانین از شاخه‌های اصل برائت است.

۱- زشتی عقاب پیش از بیان، یکی از مبانی مهم اخلاقی و عقلی اصل برائت است.

۲- عقاب و مواخذه پیش از بیان تکلیف را به شهادت وجدان و عقل مستقل، قبیح میدانند، تکلیف تاجایی معقول است که اجرای آن خارج از توان و طاقت مکلف نباشد.

۳- انسان به حکم فطرت خود میل به نیکی و اجرای قانون و رعایت آن دارد. بر مبنای همین دید فلسفی، اصل برائت را بر صحت کار انسان نهاده اند و ارتکاب جرم را امری است نیازمند به اثبات دیده اند.

۴- اصل عدم که از جمله اصول عقلی است بیان میدارد کنه فرض بر عدم هر چیزی است مگر آن که وجودش اثبات گردد. مطابق این اصل امور عدمی قابل اثبات نیستند بلکه وجود اشیاء و امور باید ثابت گردد، بنابراین، اصل بر عدم ارتکاب اعمال مجرمانه است مگر آن که وقوع عملی ممنوع و مجرمانه ثابت گردد. مفهوم و معنای این اصل با اصل برائت بسیار نزدیک است. به همین جهت اصل عدم از جمله مبانی اصل برائت تلقی می شود. در اصل برائت گفته می شود که اصل بر مصونیت افراد از هرگونه تعرض است مگر آن که قانون آن را مجاز دانسته باشند. نتیجه این که به کمک اصل عدم و به استناد اصل برائت، ارتکاب اعمال منادی مجرمانه، وجود سوء نیت و انتساب آنها به افراد باید با انجام تشریفات قانونی و به طریقی یقین آور ثابت گردد. (نوربها، ۱۳۸۳: ۱۲۱-۱۲۰)

۲-۱- مبانی حجیت اصل برائت

برای اثبات حجیت اصل برائت می توان به موادی از قانون (اعم از اساسی و عادی) و دلیل عقل تمسک جست بنابراین تقسیمی که قبلاً از اصل برائت داشتیم بر همین مبنی استوار است. از طرفی می توان برای اثبات حجیت اصل برائت به عموم استصحاب نیز استناد کرد بر این اساس مبنی حجیت اصل برائت را در سه مبحث متفاوت قانون، عقل و عموم استصحاب مورد بحث قرار می دهیم.

۲-۱-۱- قانون

اولین دلیل بر حجیت اصل برائت موادی از قوانین مدون کشورمان است که قانونگذار به طور صریح از آن یاد کرده است. در قانون اساسی طبق اصولی از اصل برائت یاد شده است که می توان به عنوان اولین منبع برای حجیت اصل برائت از آنها استفاده کرد. اصل سی و هفتم مقرر می دارد: اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

اصل سی و ششم همین قانون مقرر می دارد: حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. از طرفی ماده ۲ قانون مجازات اسلامی بیان می دارد: هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود. این مواد نمایانگر «اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها» است که یکی از اصول پذیرفته شده در حقوق جزا می باشد و مفاداً با اصل برائت هماهنگ است. نتیجه اعمال این اصل، ایجاد دو قاعده مهم، عطف به ماسبق نشدن قوانین جزائی و تفسیر مضیق قوانین کیفری می باشد. (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۸۱)

تفسیر یک قانون یعنی جستجوی مفهوم صحیح آن به نحوی که بتوان آن را به شکلی صحیح در مورد هر حالت خاص اجرا کرد اما این مطلب نباید موجب آن شود که تفسیر توسعه پیدا کند. اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها حاوی این نتیجه منطقی است که تفسیر در قانون کیفری باید محدود یا مضیق باشد و متون قانونی باید به همان شکلی که هستند به طور صحیح اجرا گردند و نمی توان کلمات را به بازی گرفت و ماورا ی آنها برای رسیدن به مقصود پیش رفت. (نوربها، پیشین: ۲۴۴) نتیجه ای که از این قاعده گرفته می شود این است که وقتی قانون جزا مجمل است یا ابهام دارد به نحوی که قاضی

نتواند اندیشه قانونگذار را درک کند و عمل ارتكابی را با آن تطبیق دهد باید متهم را تبرئه نماید. (البته در حقوق مدنی چنین نیست و قاضی می تواند خارج از قانون و یا با تفسیر آن به قضیه رسیدگی کند.) تذکر این نکته نیز ضروری است که تفسیر مضیق در مواردی است که قانون به نفع متهم نباشد و لذا در مورد قوانین مساعد به حال متهم می توان از تفسیر موسع، چه در قوانین ماهوی و چه در قوانین شکلی استفاده کرد. مثل اینکه ولایت را به طور وسیعی تفسیر نمائیم که شامل پدر و پدربزرگ شود که در آن صورت متهم سارق چنانچه از پدربزرگش سرقت نماید نتوانیم دست او را قطع نمائیم زیرا یکی از شرایط قطع دست سارق این است که مالباخته پدر سارق نباشد. (پیشین)

از مواد دیگر قانونی که می توان برای اثبات حجیت اصل برائت استناد نمود ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی و ماده ۳۵۶ قانون آئین دادرسی مدنی است. ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی: هرکس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند و مدعی علیه هر گاه در مقام دفاع مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد اثبات امر بر عهده او است. مدعی شخصی است که ادعایی خلاف اصل و یا خلاف ظاهر یا خلاف اماره دارد. برای مثال بر اساس اصل عدم هیچ کس به شخص دیگری بدهکار نیست، حال اگر شخصی ادعا نماید که دیگری به وی بدهکار است مدعی نامیده می شود و باید ادعای خود را اثبات نماید. (شمس، ۱۳۸۵: ۲۳۱)

۲-۱-۲- عقل

دومین موردی که می توان به عنوان مبنی حجیت اصل برائت بدان توجه نمود حکم عقل می باشد. بدین بیان که هر عقل و وجدان بیدار، مؤاخذه شخصی را که هنوز علم به مجرمیت وی نداریم قبیح می داند، دلیل بر قبح عقاب در این مورد حکم عقلاء می باشد که همگی اعتراف دارند که مؤاخذه شخص بی گناه به صرف اتهام وارده قبیح می باشد حکم عقل یک قاعده کلی است که اختصاص به مذهب، قانون کشور و مردم خاصی ندارد و زمان و مکان در آن بی تأثیر است و چون اصل برائت نتیجه یک درک روشن عقل است در قوانین عرفی نیز قابل اعمال است. (محمدی، همان: ۲۴)

۲-۱-۳- استصحاب

اصل استصحاب از ادله عقلیه و حجیت آن از مسلمات می باشد و عمل به استصحاب به این دلیل است که با علم به وجود سابقه یک شیئی، ثبوت آن حین شک، به حکم عقل باقی است یعنی هر حالت و هر شکلی که انسان و یا هر موضوعی دیگر در گذشته داشته است، اعم از آنکه اثباتی بوده یا نفیی، در زمان بعد هم حکم به بقاء آن می شود مگر آنکه با دلایل قطعی تغییر آن حالت به ثبوت رسیده باشد. و لذا سومین دلیلی که می توانیم بر حجیت اصل برائت اقامه کنیم استصحاب حال طفولیت متهم یا استصحاب حال قبل از پیدایش اتهام و یا استصحاب قبل از قانونگذاری می باشد. بدین بیان که اگر حالت سابقه‌ی متهم را مدنظر قرار دهیم که پاک و مطهر است و هیچگونه جرمی مرتکب نشده است. حال که نسبت به او تردید کرده ایم که آیا مرتکب جرم شده است یا نه؟ حالت سابقه او را که همان طهارت و پاکی است (برائت) استصحاب می کنیم و بدین ترتیب اصل برائت ظاهر می گردد. وقتی گفته می شود «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» چیزی جز عمل به استصحاب موردنظر نبوده، چرا که به حکم عقل، ادعای مدعی خلاف اصل است و نمی توان به صرف ادعای مدعی کسی را مجرم شناخت مگر آنکه مدعی با استناد به دلایل قاطع تغییر حالت گذشته را به اثبات برساند و حکم ماده ۸۷۴ قانون مدنی با تمسک به اصل استصحاب بوده است. (ماده ۸۷۴ می گوید: اگر اشخاص که بین آنها توارث باشد بمیرند و تاریخ فوت یکی از آنها معلوم و دیگری از حیث تقدم و تأخر مجهول باشد فقط آنکه تاریخ فوتش مجهول است از آن دیگری ارث می برد.) (محمدی، پیشین:

۲-۲- شرایط استفاده از اصل براءت

به عنوان مقدمه بحث، این مطلب را یادآوری می‌نمائیم که هرگاه پرونده ای جهت رسیدگی و صدور حکم به دادگاه فرستاده می‌شود صدور حکم مبتنی بر دو اصل زیر می‌باشد.

۱- بیان موضع عملی با تعیین ادله کافی، از قبیل شهادت شهود، اقرار، نظریه کارشناسی، معاینه محلی و غیره دلیل هایی که در این اسلوب به کار می‌روند ادله یا ادله محرز نام دارند چرا که قاضی توسط این ادله حکم هر مسئله را به طور یقین و یا حداقل به گونه ای که قانون از او خواسته است احراز می‌نماید. البته امروزه با وجود اینکه در سیستم دلایل معنوی (بر اساس این سیستم بازپرس و دادسرا فقط در صورت اعتقاد کامل به مجرمیت متهم بایستی قرار مجرمیت یا کیفرخواست صادر نمایند نتیجه اینکه دیگر اقرار متهم و یا شهادت شهود یا اظهارنظر کارشناس برای دادگاه ها الزامی نبوده، تنها در صورتی که این دلایل بتواند وجدان قاضی را اقناع نماید دارای ارزش می‌باشد. تنها شرطی که در این خصوص وجود دارد این است که که بایستی دلایلی که بر مبنای آن حکم می‌شود ارائه شوند. قرار داریم، می‌توان گفت که ادله محرز همیشه برای قاضی یقین آور می‌باشند. مثلاً در موردی که ادله اقامه شده شهادت باشد و قاضی از شهادت شهود علم به مجرمیت متهم پیدا نماید می‌تواند حکم بر مجرمیت وی بدهد. ولو اینکه شاهد یک نفر باشد و بر اساس همین نظریه است که در مواردی حتی با وجود تعدد شاهد قاضی مبادرت به صدور حکم نمی‌کند زیرا که قاضی باید علم به مجرمیت پیدا نماید و با وجدانی آسوده حکم قضیه را صادر نماید.

۲- بیان وظیفه عملی، شخص قاضی در مقابل ادله ای که یقینی و علم آور نیستند. دلیل هایی که در این اسلوب به کار می‌روند «ادله عملی» یا اصول عملیه نام دارند که یکی از آن اصول، اصل براءت می‌باشد. حال چنانچه قاضی به ادله محرز دست یافت بر اساس قاعده «تقدم دلیل های محرز بر اصول عملیه» مستنبط از قاعده «لاصل دلیل حیث لادلیل» بدان ها عمل نموده و اصل عملی را رها می‌کند و اگر دلیل محرز بدست نیآورد مرجع کلی برای قاضی اصل عملی است که باید اجرای آن اصول به نفع متهم باشد. (محمد بلقر صدر، پیشین: ۱۶۴)

تفاوت بین ادله محرز و اصول عملیه در این است که دللیت ادله برای قاضی بدان لحاظ است که این ادله پرده از واقعیت بر می‌دارند و حکم واقعی قانون را به دست می‌دهند و موجب می‌شوند که قاضی بتواند با خاطری آسوده حکم قضیه ای را صادر نماید. اما دللیت اصول عملیه (اصل براءت) از جنبه عملی قضیه می‌باشد. یعنی هرگاه قاضی بر اساس بینه نتواند مجرمیت متهم را ثابت کند توسط اصل براءت حکم براءت او را صادر می‌نماید. (پیشین)

حال چنانچه قاضی به ادله محرز دست نیافت در این صورت نوبت به اجرای اصل براءت می‌رسد. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا قاضی حق اعمال این اصل را به طور مطلق دارد یا اینکه اجرای اصل مقید به شروطی می‌باشد؟

در جواب این سؤال باید گفت هر وقت قاضی بخواهد اصل براءت را اجرا نماید. بنابر قاعده «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» و دیگر مواد قانونی که مدعی باید ادعای خود را ثابت نماید، باید فحص و جستجوی کامل از وجود ادله صورت گیرد و چنانچه شخص قاضی نتواند ادعای خود را به اثبات برساند قاضی حق دارد متهم را تبرئه نماید.

در محاکمات جزائی همیشه اصل براءت به حمایت از متهم و ادعای دادستان علیه او رو در روی هم قرار می‌گیرند و تنها دلایل قاطع و غیرقابل تردید دادستان است که می‌تواند اصل براءت را متزلزل سازد و انحراف یک انسان را از حالت پاکی و بی گناهی سابق به ثبوت برساند و حجیت استصحاب را از بین ببرد. از طرفی ادله ارائه شده ممکن است در تعارض باشند در این صورت قاضی باید بکوشد که تعارض آنها را رفع نماید و اگر قرار باشد با توجه به اصل تعارض همه ادله را از عداد دلایل خارج کند و

دست قاضی به طور مطلق برای اجرای اصل برائت باز باشد حکومت قاضی برای اجرای عدالت میسر نخواهد بود. (آخوندی، ۱۳۹۰: ۱۱۶)

نتیجه مطلب اینکه: برای اجرای اصل برائت دو شرط ضرورت دارد.

اول: آنکه با وجود ادله محرز و نوبت به اجرای اصل برائت نمی رسد

دوم: بعد از فحص و جستجوی کامل از وجود ادله محرزه چنانچه برای اثبات مطلب کافی نبودند در آن صورت نوبت به اجرای اصل برائت می رسد که نتیجه آن تبرئه متهم می باشد.

۳- ضوابط قانونی اصل برائت- آثار و نتایج اصل برائت و استثناء بر آن

۳-۱- ضوابط قانونی اصل برائت

چنانچه قبلاً اشاره کردیم موادی از قوانین و اصولی از قانون اساسی صراحتاً به اصل برائت اشاره دارند از طرفی فرض بی گناهی متهم در قوانین بین المللی از جمله اعلامیه هایی که در رابطه با حقوق بشر صادر شده است، وجود دارد. در مورد قوانین دیگر کشورها باید گفت که چون اصل مذکور یکی از اصول اساسی تضمین آزادی های فردی به شمار می رود، در قوانین اساسی اکثر کشورهای متمدنی و حتی قوانین آئین دادرسی آنان گنجانیده شده است. بنابراین ما ابتدا ضوابط قانونی اصل برائت را در قوانین ملی و سپس در قوانین بین المللی بررسی می نماییم.

۳-۱-۱- قوانین ملی

سابقه اصل برائت در نظام قانونگذاری ایران، به تاریخ ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ هجری قمری و در زمان تصویب متمم قانون اساسی برمیگردد. مطابق اصل نهم م.ق.ا.م: «افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمی توان شد مگر به حکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین می نماید.» البته اصل برائت در آن قانون به طور جامع و مانعی بیان نشده است، بلکه می توان گفت، به صورت تکامل نیافته در آن قانون وجود داشته است که البته با عنایت به اصول دیگری، میتوان به وجود این اصل در نظام مانند اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها کیفری ایران در زمان مشروطه صحه گذاشت. همین اصل در طول زمان تکامل یافته و به شکل کنونی در میآید. احترام به اصل برائت اقتضا می نماید که در مرحله دادرسی یکسری تضمیناتی رعایت گردد و متهم دارای یکسری حقوقی باشد که بایستی به دیده احترام نگاه کرد: مهم ترین آثاری که در مرحله دادرسی جهت همگامی با اصل برائت بایستی رعایت گردد، عبارتند از: (۱) برخورداری از حق اطلاع فوری از اتهام انتسابی؛ (۲) تضمین حق دفاع متهم؛ (۳) تضمین حق سکوت متهم (۴) تکلیف شاکی یا مدعی العموم به ارائه دلایل و مدارک توجه اتهام؛ (۵) رعایت اصل برابری در مقابل قانون و دادگاه؛ (۶) تفسیر شک به نفع متهم. همچنین مهم ترین آثار اصل برائت که در حقوق متهم بایستی رعایت گردد می توان به صورت زیر بیان نمود: (شامبیاتی، ۱۳۹۲: ۳۳)

(۱) حق تفهیم اتهام در اولین ساعات انتساب اتهام یا بازداشت؛ (۲) حق برخورداری از سکوت در قبال اتهامات وارده، حق برخورداری از وکیل در حین دادرسی؛ (۳) حق دسترسی به پرونده اتهامی و اطلاع از کلیه دلایل تحمیل شده علیه او؛ (۴) حق برخورداری از کلیه حقوق اجتماعی و سیاسی قبل از صدور یک حکم قطعی و لازم الاجراء (۵) عدم نیاز به اثبات بی گناهی توسط متهم؛ (۶) حق ارائه آخرین دفاع در آخرین مرحله دادرسی؛ (۷) حق اعتراض به قرارها و احکام صادره قبل از قطعی شدن آن ها؛ (۸) لزوم تفکیک سیستم بازداشتگاههای موقت از زندانها و جداسازی متهمین تحت قراردادهای بازداشت از محکومیت های کیفری حبس. (پیشین؛ ۳۵)

۳-۱-۱-۱- قانون اساسی

قانونگذار ایرانی با اعلام اصل برائت به عنوان یکی از اصول معتبر قانون اساسی، بر ضرورت تأمین آزادی شهروندان و جلوگیری از سلب آن، جز در موارد استثنایی و آن نیز به حکم مقام صالحیت دار قضائی و بر طبق موازین حقوقی از یکسو و تأمین محاکم های عادلانه و بی طرفانه و انجام تحقیقات مقدماتی در اسرع وقت و رعایت حق دفاع متهم در طول دادرسی ازسوی دیگر نظر داشته است. این در حالی است که در قوانین عادی ما هیچ ماده ای که به صراحت اصل برائت را مورد پذیرش قرار دهد دیده نمی شود و در عملاً معمولاً قضات برای جاری ساختن حکم برائت به اصل ۳۷ ق.ا. متوسل می شوند و بدان استناد می نمایند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اگر طبق اصل بیست و دوم «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص مصون از تعرض است» ولی در قوانین عادی دادرسی کیفری در مورد کنترل هویت اشخاص، بازرسی و توقیف افراد قوانین و مقررات صریح و روشنی را شاهد نیستیم. بر طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی هر گونه تجسس و بازرسی ممنوع است. و نیز هیچ کس را مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند نمی توان دستگیر نمود. همچنین بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل، برائت و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. همانگونه که می بینیم اصل برائت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده است و یکی از آثار این اصل این است که در هنگام کشف جرم بایستی آزادیهای فردی محترم شناخته شود و از توقیف و بازرسی های بی مورد خودداری گردد. برائت کیفری که از آن به "فرض بی گناهی" نیز یاد می شود؛ از جمله امتیازات و حقوقی است که به فرد متهم یا مظنون در مقابل مدعی، تعلق می گیرد. با این وصف که فرد متهم تا زمانی که جرم او در دادگاه صالح، اثبات نگردد؛ بی گناه محسوب می شود. اصل برائت کیفری، امروزه در دنیا، امری شناخته شده و در قوانین بین المللی و داخلی بسیاری از کشورها، گنجانده شده است.

به طور کلی میتوان گفت که اصول قانون اساسی که در این زمینه مطالبی را بیان میدارند، به دو دسته قابل تقسیم هستند: اول دسته ای که مفهوم یا منطوق بر پذیرش این اصل در قانون مذکور است و دوم دسته ای که خلاف آنها دال آن را بیان میدارند. (بطحایی، ۱۳۹۸: ۱۶۲)

۳-۱-۱-۱-۱- پزیرش اصل برائت در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل ۳۷، بر این اصل، تاکید کرده است. " اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون، مجرم شناخته نمی شود؛ مگر این که جرم او در دادگاه صالح، ثابت گردد. "

اصل سی و ششم مقرر می دارد: حکم به مجازات و اجرا آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. اصل ۲۲ ق.ا. هم می تواند نقطه مثبتی جهت تأیید وجود اصل برائت در قانون اساسی بوده و هم می تواند اینچنین نباشد. بر طبق این اصل، «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». پس مقتضای ذات اصل ۲۲ وجود اصل برائت را در قانون اساسی ایجاب می نماید و این نکته ای در تأیید وجود اصل برائت در قانون اساسی است. (بطحایی، پیشین: ۱۴۱)

۳-۱-۱-۱-۲- عدم پزیرش اصل برائت در قانون اساسی

اصل ۱۱۲ ق.ا. نیز می تواند گریزگاهی از اصل برائت فراهم آورد. به موجب این اصل، «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بدانند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و ... تشکیل می شود...» در این راستا ممکن است

مجلس طی مصوبه ای اصل برائت را نادیده بگیرد و در پی اعتراض شورای نگهبان و عدم پذیرش مجلس، مورد در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب گردد. دایره مصلحت در چنین مواردی تعیین نشده است و ممکن است در برخی موارد اصولی همچون اصل برائت را در برگیرد

همچنین اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد» (گلدوزیان، پیشین: ۷۳).

۳-۱-۲- جایگاه اصل برائت در حقوق جزا

ماده ۲ قانون مجازات اسلامی می گوید: هیچ امری را نمی توان جرم دانست مگر آنکه به موجب قانون برای آن مجازات وضع شده باشد. همچنین از ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی می توان این اصل را استنباط نمود.

بند ۳ از ماده ۴ لایحه تجدیدنظر آراء دادگاه ها بیان می دارد: در صورتی که متهم را بی گناه بدانند حکم را نقض و او را تبرئه می نمایند هرچند که محکوم علیه درخواست تجدیدنظر نکرده باشد و تنها دادستان یا یکی دیگر از کسانی که حق تجدیدنظرخواهی دارند، تقاضای تجدیدنظر نموده باشند.

طبق این قاعده که در مواد مختلف قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) نیز مفاد آن منعکس شده است از محکوم کردن و مجازات کردن شخص متهم در موارد وجود شبهه خودداری می شود مثلاً طبق تبصره ۱ ماده ۱۶۶ قانون فوق «در صورتی که شراب خورده مدعی جهل به حکم یا موضوع باشد و صحت دعوای وی محتمل باشد محکوم به حد نخواهد شد» (نوربها، ۱۳۸۳: ۸۷)

۳-۱-۳- جایگاه اصل برائت در حقوق مدنی

اضافه شدن قید «با سوگند خوانده» در ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی (مصوب ۱۳۷۹) سؤالها، تردیدها و بحثهایی را در مورد امکان یا عدم امکان صدور حکم برائت خوانده بدون سوگند او، در موارد عدم ارائه دلیل و عدم درخواست سوگند از جانب خواهان و همچنین در خصوص اختیار یا عدم اختیار قاضی در سوگند دادن خوانده بدون درخواست خواهان، ایجاد کرده است. تحلیل ماده یادشده، مطالعه موضوع در فقه و بررسی دیدگاه فقها را می طلبد. در فقه، صدور حکم به نفع مدعی علیه، صرفاً به استناد اصول عملی از جمله اصل برائت، در موارد عدم ارائه دلیل و عدم درخواست سوگند از جانب مدعی، همچنین سوگند دادن مدعی علیه بدون درخواست مدعی، اجازه داده نشده است. در تحلیل ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی لازم است، تفسیری از آن ارائه شود که سبب مغایرت این ماده با فقه و دیدگاه فقها، نشود. (حسن زاده، ۱۴۰۱: ۶۹)

ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی مقرر می دارد: هرکس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند و مدعی علیه هرگاه در مقام دفاع، مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد اثبات امر به عهده اوست.

همچنین ماده ۳۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی چنین مقرر می دارد: هرکس مدعی حقی هست باید آن را اثبات کند.

۳-۱-۴- قانون آیین دادرسی کیفری

قوانین شکلی کیفری ایران از جمله آیین دادرسی کیفری برخی از آثار اصل برائت را در راستای همگامی با اسناد بین المللی مورد توجه قرار داده است. ماده ۱۸۵ آیین دادرسی کیفری یکی از مصادیق دادرسی عادلانه و اصل برائت یعنی حق انتخاب وکیل را مورد بیان قرار داده و اعلام می نماید که در کلیه امور جزایی طرفین دعوی می توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را انتخاب و معرفی نمایند. همچنین بر اساس ماده ۱۸۶ ق.آ.د.ک در صورت عدم توانایی متهم می تواند از دادگاه تقاضای تعیین وکیل تسخیری نماید. بر اساس ماده ۱۸۸ ق.آ.د.ک، محاکمات دادگاه علنی است و اصل بر علنی بودن جلسه دادرسی می

باشد و فقط در برخی موارد خاص چون مخل بودن علنی بودن دادرسی با امنیت یا احساسات مذهبی، امور خانوادگی یا دعوی خصوصی به درخواست طرفین و اعمال منافی عفت، محاکمه بصورت سری انجام می شود. بر اساس ماده ۲۲۰ ق.آ.د.ک در صورتیکه متهم فارسی نداند، دادگاه دونفر را برای ترجمه تعیین می نماید و مترجم بایستی مورد وثوق دادگاه باشد و متعهد باشد که همه اظهارات را به طور صحیح و بدون تغییر ترجمه نماید. بر اساس ماده ۱۹۷ ق.آ.د.ک نیز در صورتی که دادگاه پرسش هایی را از متهم بکند و متهم جواب پرسش ها را ندهد دادگاه بدون اینکه متهم را به دادن جواب مجبور کند، رسیدگی را ادامه می دهد. در حقوق ایران حق داشتن وکیل که یکی از راه های تضمین دفاع از حقوق متهم محسوب می شود براساس اصل سی و پنجم قانون اساسی و ماده ۱۱۲ قانون آئین دادرسی کیفری پذیرفته شده است. همچنین اصل برائت در قانون آئین دادرسی کیفری در ماده ۴ این قانون آمده که اشعار می دارد:

«هرگونه اقدام محدود کننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.»

دو اصل در قانون مذکور، یک یک مواد مورد بررسی قرار گرفته و آنگاه از وجود آثار برائت یا فقد آن به مطلوب خویش واصل شد که به دلیل ایجاد اختصار به بررسی اهم آنها بسنده می شود.

۳-۱-۴-۱- بررسی مواد قانونی دائر بر پذیرش اصل برائت

مطابق ماده ۵ ق.آ.د.ا.ک: «تعقیب امر جزائی فقط نیت به مباشر، شریک و معاون جرم خواهد بود». این ماده ناظر بر اصل شخصی بودن مجازاتهاست. اگر اصل شخصی بودن جرائم و مجازاتها را از شقوق اصل برائت بدانیم، این ماده مؤید حضور و پذیرش اصل برائت در قانون آئین دادرسی کیفری خواهد بود، زیرا معلول وجود آن بوده و هیچ معلولی بدون علت به وجود نمی آید ماده ۶ قانون مزبور در بند پنجم خود، یکی از مراحل را که باعث موقوف شدن تعقیب کیفری میشود، اعتبار امر مختومه می داند. به طور بسیار خلاصه باید اشاره نمود که اعتبار امر مختوم کیفری یعنی عدم امکان اقامه مجدد دعوا و تقاضای رسیدگی به آن پس از آنکه حکم یا قرارای مراحل مختلف رسیدگی را طی کرده یا مواعد آنها سپری شده باشد. پایه و اساس اعتبار امر مختوم، اماره قانونی صحت احکام است که به موجب آن چنین فرض می شود که احکام و قرارهای قطعی، صحیح و منطبق با واقعیت هستند و به این سبب، دعوا برای بار دیگر قابل طرح در مقابل دادگاهی دیگر یا قابل تعقیب از سوی دادستان نیست. به این اعتبار، حصول امر مختوم کیفری را باید از جمله مسقطات دعوای عمومی محسوب کرد.

۳-۱-۴-۲- بررسی مواد قانونی دائر بر عدم پذیرش اصل برائت

در ق.آ.د.ا.ک. موادی به چشم می خورد که به طور مستقیم یا غیرمستقیم ناظر بر عدم پذیرش اصل برائت است که از جمله آنها می توان به موادی که دائر بر افزودن این نکته نیز در اینجا تجویز بازداشت موقت متهم هستند اشاره نمود. الزم به نظر میرسد که گاه مصلحت جامعه، وجود تأسیساتی را در هر سیستم حقوقی ایجاد میکند که با برخی از اصول مسلم آن سیستم در تعارض و تضاد است. لیکن مضرات عدم شناسایی آنها به مراتب بیش از مزایای آنها است. از جمله این تأسیسات می توان به بازداشت موقت به طور خاص و سایر قرارهای تأمین به طور عام اشاره نمود. در این گونه موارد لازم است به این نکته توجه شود که شناسایی و اجرای این گونه تأسیسات به طور استثنائی بوده و باید به گونه ای بسیار محدود اجرا شود. از اینرو تقریباً در تمام نظام هایی که اصل برائت را پذیرفته و در کنار آن قائل به صدور قرار تأمین و به خصوص بازداشت موقت از جانب مقام صالح شده اند به طریقی آن را کنترل می کنند. از جمله سازوکارهای نظارتی که در نظام کیفری ایران بدان تصریح شده

است، اوال وجود حق اعتراض نسبت به این قرار مقام قضائی است که از معدود دیگر آنکه این قرار باید به نظر و تأیید قرارهای تأمینی قابل اعتراض می باشد. ماده واحده قانون مقام قضائی دیگر نیز برسد و مدت آن نیز محدود است احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی نیز تضمیناتی را پیشبینی نموده است که این جنبه منفی را تا حدودی تعدیل میکند. بازداشت موقت هرچند گاه از باب مصلحت جامعه تأسیسی ضروری شناخته، به طور کامل خلاف اصل برائت بوده و میتوان آن را از آثار و تبعات می شود، اصل مجرمیت دانست. بازداشت متهم علاوه بر آنکه مغایر با اصل برائت بوده و به آزادی وی لطمه میزند، ممکن است احياناً به حق دفاع او نیز زبان رسانده در سرنوشت محاکمه مؤثر باشد. بازداشت موقت علاوه بر آنکه در بعضی از موارد تنها وسیله جلوگیری از فرار متهم یا امحاء آثار جرم یا تبانی با شرکاء و معاونین یا شهود قضیه است، در بسیاری از مواقع تنها وسیله حفظ جان متهم و به عبارت دیگر جلوگیری از انتقام مجنی علیه یا کسان و خویشان وی نیز می تواند باشد. لیکن از آنجا که بازداشت متهم نقطه تلاقی آزادی فردی و نظم اجتماعی است، مقنن باید در تلفیق ایندو با یکدیگر کوشش نماید. نهایت آنکه احترام به اصل برائت ایجاب می کند تا توقیف احتیاطی امری استثنایی قلمداد شود و به عبارت دیگر ضرورت حق دفاع متهم شدیداً تحت کنترل درآید. لذا در پاسخ بدین پرسش که آیا تنها قرار بازداشت موقت مغایر با اصل برائت است، باید اذعان نمود که امکان تبدیل قرارهای دیگری به قرار بازداشت موقت نیز وجود دارد. پس سایر مواد ق.آ.د.ا.ک. که مؤید وجود تأسیس اخذ تأمین از متهم هستند، نیز میتواند از عوامل صدمه به اصل برائت در حقوق کیفری ایران قلمداد شود. نکته دیگر در مورد جلب متهم میباشد که در مواد ۸۲، ۸۳، ۱۱۷، ۱۱۸، و ۱۵۹ بدان اشاره شده است. هر چند که جلب با بازداشت موقت تفاوتی دارد، لیکن از جهت تعرض به حقوق افرادی که بزهکاری آنان هنوز ثابت نگردیده، به نظر خلاف اصل برائت است. (لطفی خاچکی، ۱۳۸۹: ۶۷-۶۶)

۳-۱-۴- قوانین بین المللی

طبق اساسنامه دیوان کیفری بین المللی نیز در ماده ۶۷ اصول حاکم بر دادرسی عادلانه و نیز حقوق ناشی از اصل برائت متهم را مورد توجه قرار داده است. بر اساس بند (۱) ماده ۶۷ اساسنامه، متهم برای هر اتهامی این حق را دارد که به صورت علنی و منصفانه و بی طرفانه و با رعایت حداقل تضمینات زیر در مساوات محاکمه شود:

الف: به زبانی که متهم کاملاً درک و با آن صحبت می کند فوراً و دقیقاً از ماهیت و سبب و محتوای اتهام مطلع شود. ب: وقت کافی و امکانات لازم به او داده شود تا دفاع خود را تدارک کند و آزادانه و محرمانه با وکیل مدافعی که خود انتخاب می کند، ارتباط داشته باشد. ج: بدون تأخیر ناموجه محاکمه شود. د: با رعایت بند ۲ ماده ۶۳ و به منظور انجام امر دفاع شخصاً، و یا از طریق مشاور حقوقی انتخابی خود در محاکمه حضور یابد و مطلع شود که اگر از مشاورت حقوقی بهره مند نیست، حق دارد از مساعدت مشاور حقوقی که دیوان در صورت ضرورت و در راستای اجرای عدالت فراهم می کند، بهره مند شود؛ حتی اگر توان مالی برای پرداخت هزینه های مربوط را نداشته باشد؛ ه: از شهود که علیه وی معرفی شده اند رأساً یا توسط دیگری سؤالاتی بنماید و مطابق همان شرایطی که شهود علیه وی داشته اند، شهود خود را در جلسه حاضر کرده واز آنها سؤال کند؛ و: اگر رسیدگی دیوان و یا مدارکی که در محاکمه ارائه می شود به زبان دیگری غیر از زبانی است که متهم کاملاً درک کرده است و صحبت می کند، وی می تواند به صورت رایگان از مساعدت مترجم کارآمد و همچنین ترجمه هایی که در یک محاکمه منصفانه لازم است، بهره مند شود؛ ز: متهم مجبور به ادای شهادت و یا اعتراف به مجرمیت نیست و می تواند سکوت اختیار کند بدون اینکه سکوت وی به منزله اعتراف و یا انکار تلقی شود؛ ح: می تواند لایحه ای کتبی و بیانیه ای شفاهی بدون اینکه سوگند یاد کند، ارائه دهد؛ ط: هیچ گونه تکلیف متقابلی در جهت اثبات ادله و یا تکلیف در رد آنها بر متهم تحمیل نمی شود.

همچنین علاوه بر موارد دیگری که در این اساسنامه راجع به ارائه مستندات به متهم مقرر شده، دادستان بایستی به محض آنکه امکانپذیر شد، مستنداتی را که در اختیار و یا تحت کنترل خود داشته و معتقد است که مبین بی گناهی متهم است و یا مجرمیت وی را تخفیف می دهد و یا بر اعتبار مستندات بازجویی تأثیر می گذارد، به متهم ارائه دهد به صورت تردید در شمول یا عدم شمول این بند، اتخاذ تصمیم با دیوان خواهد بود. براساس بند ۲، ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، هیچ کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین المللی جرم شناخته نمی شده است، محکوم نخواهد شد. به همین ترتیب هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق می گرفت درباره احدی اعمال نخواهد شد. ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۷۸۹ چنین می گوید: هرکس که به بزهکاری متهم شده باشد بی گناه محسوب خواهد شد تا وقتی در جریان یک دعوی عمومی که در آن کلیه تصمیم های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد.

همچنین ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل در این رابطه می گوید: «هرکس مادامی که به موجب حکم علنی دادگاه محکوم نشد بی گناه شناخته می شود و در دادگاه باید از کلیه تضمین ها جهت دفاع از خود استفاده نماید» میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز برخی از آثار اصل برائت را که در مرحله صدور حکم و پس از آن بایستی مورد رعایت قرار گیرند، شناسایی و بیان نموده است. بر اساس بند ۵ ماده ۱۴ میثاق «هر کس به ارتکاب جرمی محکوم بشود، حق دارد که اعلام مجرمیت و محکومیت او بوسیله یک دادگاه عالیتری طبق قانون مورد رسیدگی واقع شود». این بند در واقع حق پژوهش خواهی و اعتراض متهم به حکم صادره توسط دادگاه بدوی را مورد توجه قرار داده است. همچنین بند ۶ ماده مزبور اعلام می نماید، هر گاه حکم قطعی محکومیت کیفری کسی بعداً فسخ شود یا یک امر حادث یا امری که جدیداً کشف کرده دال بر وقوع یک اشتباه قضایی باشد و بالنتیجه مورد عفو قرار گیرد. شخصی که در نتیجه این محکومیت متحمل مجازات شده استحقاق خواهد داشت که خسارات او طبق قانون جبران بشود مگر اینکه ثابت شود که عدم افشاء به موقع حقیقت مکتوم کلاً یا جزاً منتسب به خود او بوده است. بند ۷ ماده ۱۴ میثاق نیز منع تعقیب و محاکمه مجدد متهم را مورد توجه قرار داده و اعلام می نماید که هیچ کس را نمی توان برای جرمی که به علت اتهام آن به موجب حکم قطعی صادر طبق آئین دادرسی کیفری هر کشوری محکوم یا تبرئه شده است مجدداً مورد تعقیب و مجازات قرار داد.

همچنین بر اساس ماده ۱۵ میثاق، هیچ کس به علت فعل یا ترک فعلی که در موقع ارتکاب بر طبق قوانین ملی یا بین المللی جرم نبوده محکوم نمی شود و همچنین هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه در زمان ارتکاب جرم قابل اعمال بوده تعیین نخواهد شد. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی نیز در ماده هفتم خود ممنوعیت مجازات بدون وجود قانون را مورد توجه قرار داده است و اعلام می دارد که هیچ کس به جهت فعل یا ترک فعلی که طبق حقوق ملی یا بین المللی در زمان ارتکاب آن، جرم محسوب نمی شده است به هیچ مجازات کیفری، محکوم نخواهد شد. همچنین هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه در زمان ارتکاب جرم قابل اعمال بود، تحمیل نخواهد شد. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز حق پژوهش خواستن از حکم به دادگاهی عالی و نیز حق منع محاکمه مجدد به علت همان جرم در صورت تبرئه به موجب حکم قطعی در بار اول را مورد توجه قرار داده است. همچنین ماده نهم کنوانسیون مزبور عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری به عنوان یکی از آثار اصل برائت را در مرحله صدور حکم بیان نموده است و ماده دهم نیز اعلام می دارد که هر شخص در صورتی که در نتیجه حکم قطعی یا اشتباهی قضایی متحمل مجازات شده باشد استحقاق خواهد داشت که خسارت او طبق قانون جبران شود. اساسنامه دیوان کیفری بین المللی نیز برخی از قواعد حاکم بر صدور حکم را که از آثار اصل برائت نیز می باشند مورد توجه قرار داده

است. اساسنامه در ماده ۲۰، عدم جواز دوبار محاکمه برای یک جرم را مورد تأکید قرار داده و اعلام می نماید که کسی را که به اتهام ارتکاب یکی از جرایم در صلاحیت دیوان محکوم یا تبرئه شده است، نمی توان در دادگاه دیگری محاکمه کرد. همچنین بر اساس بند ۳ ماده ۴۷ اساسنامه دیوان، قضات بایستی تلاش نمایند که رأی دادگاه به اتفاق آراء صادر شود و در صورت حاصل نشدن اتاق آراء، صدور رأی با اکثریت آراء خواهد بود. همچنین بر اساس ماده ۸۱ اساسنامه، متهم حق تجدید نظر خواهی نسبت به تصمیمات مربوط به محکومیت یا مجازات دیوان را دارد. همچنین بر اساس بند (ج) ۲ ماده ۸۱ اساسنامه، در حالت تبرئه، متهم بایستی بلافاصله آزاد شود. (گریانگ ساک گیتی، ۱۳۸۳: ۵۶۷)

همچنین ماده ۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر چنین مقرر می دارد: «متهم بی گناه است تا اینکه محکومیتش از راه محاکمه عادلانه ای که همه تضمین ها برای دفاع از او فراهم باشد ثابت گردد» کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز در ماده هشتم خود، دادرسی عادلانه را به عنوان یکی از آثار مهم اصل برائت مورد شناسایی قرار داده است. این ماده در واقع ترجمانی از ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی، سیاسی و نیز ماده ششم کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر است.

بر اساس ماده هشتم کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، هر کس حق دارد با تضمینات مناسب و مدتی معقول برای ارائه دلیل در مورد اتهام جزایی وارد بر وی یا برای تعیین حقوق و تعهدات مدنی، کاری، مالی یا غیر آن، بوسیله دادگاهی صالح، مستقل و بی طرف که قبلاً بر اساس قانون ایجاد شده، محاکمه شود. در طول دادرسی هر شخص حق دارد با تساوی کامل از حداقل تضمینات زیر برخوردار باشد:» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۸۰-۸۵)

۴- آثار و نتایج اصل برائت

۴-۱- تفاوت اصل برائت از جنبه فقهی و قانونی

اصل برائت از اصطلاحات علم حقوق بوده و در حقوق کیفری به معنای مجرم نبودن اشخاص تا زمان اثبات خلاف آن است. برخی معتقدند اولین نظام حقوقی که اصل برائت را به صورت حقوقی و با همان معنای امروزی آن اعلام و قبول کرد نظام حقوقی اسلام است. بر اساس این نظام مبانی اصل برائت عبارتند از: اصل عدم، قاعده «تدرء الحدود بالشبهات». صل برائت یکی از اصول نسبتاً مورد اتفاق فقهای اسلامی است و مفهوم آن، این است که هرگاه در مورد تکلیف واقعی از جهت حرمت و یا وجوب، تردید شود اعم از اینکه شبهه ی حکمی یا شبهه موضوعی موجب شک باشد- اصل آن است که مکلف محکوم به برائت است. این اصل را به دلیل کاربردی که در دعاوی دارد «اصل عملی» و به دلیل مهارتی که حقوقدانان در تمهید و اجرای آنها به کار می برند «اصول فقهی» می نامند. حکمی که در نتیجه اعمال اصل برائت به دست می آید حکم ظاهری است و توان مقابله با دلیل را که کاشف از واقع است ندارد. امروزه، اصل برائت، هم در دعاوی حقوقی و هم در دعاوی کیفری، چهره جهانی یافته، نه تنها در حقوق داخلی کشورها، بلکه در اسناد بین المللی نیز از جایگاه ممتازی برخوردار است. موضوع این پایان نامه «اصل برائت در نظام حقوقی ایران و مبانی فقهی آن» است و پرسش این است که مهمترین وجه اشتراک بین برائت موضوعی و حکمی با آنچه که در ادبیات حقوقی تحت عنوان «فرض برائت» در امور کیفری مطرح می شود چیست؟ و اجرای اصل ۱۶۷ قانون اساسی چگونه فرض برائت را تحت تأثیر قرار می دهد؟ نتیجه تحقیق حاکی از آن است که: اصل برائت، تنها نتیجه تأکید قوانین داخلی و یا پیمانهای بین المللی نیست، بلکه اندیشه های فلسفی و اخلاقی فراوانی موید آن است. قاعده قبح عقاب بلابیان یکی از مبانی مهم اخلاقی و عقلی اصل برائت است و آیات و روایات هم موید همین اصل است. اصل برائت حکمی تا حدودی با اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها در حقوق معاصر، قابل مقایسه است هر چند که تفاوتهایی هم بین این دو وجود دارد اصل برائت موضوعی نیز در تعالیم شیعی با فرض برائت در حقوق مدرن تفاوت جدی ندارد. آنچه در حقوق مدرن تحت

عنوان «فرض برائت» در امور کیفری است همان فرض برائت در فقه شیعی است که مطابق آن اشخاص مرتکب هیچ عمل خلافی نشده اند مگر آن که خلاف آن ثابت شود. همچنین نتیجه تحقیق حاکی از آن است که تسری اطلاق ۱۶۷ قانون اساسی به امور کیفری با قاعده قبح عقاب بلابیان که مبنای اصل برائت است در تعارض است زیرا چنانچه قاضی با مراجعه به منابع و یا فتاوی معتبر عملی را که حکم آن در قوانین موضوعه نیامده جرم و قابل مجازات بداند، این امر موجب نقض قاعده قبح عقاب بلابیان می شود. اصل برائت مورد بحث در فقه اسلامی با آنچه که در قانون مطرح است متفاوت می باشد یعنی برائت از منظر اسلامی بدین معنی است که هرگاه در حکم حرمت یا جواز موضوعی شک کردیم می گوییم چون شارع اجازه ترک احتیاط داده است بنابراین مشکوک به برای ما مباح خواهد بود مثلاً هرگاه شک در حکم مصرف دخانیات داشتیم که آیا از نظر شرعی حلال است یا حرام، می گوئیم اصل برائت است و در صورت مصرف دخانیات فعل حرامی مرتکب نشده ایم و لذا مصرف آن برای ما مباح خواهد بود و هیچگونه عقابی برای مرتکب آن نخواهد بود. مبنی حجیت برائت فقهی مجموعه ای است از آیات قرآن، سنت، اجماع فقهاء و حکم عقل می باشد که مشروح آن در کتب اصولی بیان شده است. (حبیب زاده، ۱۳۸۸: ۹۹-۹۸) در مقابل، موضوع برائت مورد بحث در حقوق، شک در تکلیف نیست بلکه بدین معنی است که اصل مجرمیت متهم را نپذیرفته ایم بلکه در برخورد اولیه با متهم وی را فردی بی گناه می دانیم. و جز در موردی که دلیل قاطع بر مجرمیت متهم وجود داشته باشد او را تبرئه می نمائیم.

به نظر می رسد اگرچه مفهوم اصل برائت در فقه و حقوق متفاوت می باشد و مبنی حجیت هر یک را باید در منبع خود جستجو کرد لکن می توان حکم اصل برائت فقهی را به برائت قانونی سرایت داده و مفهوماً هر دو را یکی بدانیم. یعنی از عموم مفهوم اصل برائت فقهی می توان مفهوم برائت قانونی رانیز استفاده کرد. با توجه به معنی ای که از اصل برائت فوقاً ذکر نمودیم آثار و نتایج آن متفاوت خواهد بود. بنابراین ابتدا آثار و نتایج اصل برائت مورد بحث در فقه را مورد بررسی قرار داده و سپس به بیان آثار اصل برائت مورد بحث در قانون می پردازیم.

۴-۱-۱- آثار و نتایج اصل برائت مورد بحث در فقه

موضوع و مورد اصل برائت در فقه اسلامی شک در تکلیف می باشد بدون اینکه حالت سابقه ای برای آن تکلیف وجود داشته باشد و حکمی که در این زمینه جاری می گردد برائت نام دارد. حال چنانچه این اصل با شرایط خود اعمال گردد. هیچگونه عقابی برای مکلف نخواهد بود ولو اینکه بعداً ثابت شود که در این زمینه حکمی برخلاف وجود دارد بنابراین اثر مترتب بر این اصل نفی عقاب و نفی تکلیف است و مکلف نسبت به انجام مشکوک مجاز خواهد بود. (شیخ انصاری، ۱۹۴۱ق: ۵۵)

۴-۲-۲- آثار و نتایج اصل برائت مورد بحث در قانون

نظر به اینکه اصل برائت قانونی نقطه مقابل اصل مجرمیت می باشد. بنابراین در موردی که نسبت به مجرم بودن متهم شک داشته باشیم حکم به نفع متهم صادر خواهیم کرد از طرفی وجود این اصل در قانون دارای آثار و نتایجی است که به طور مشروح بیان خواهیم نمود.

اول: با توجه به قاعده «البیه علی المدعی و الیمین علی من ادعی علیه» بار اثبات دعوی به عهده مدعی است و از متهم دلیل بر بی گناهی اش نمی خواهند این مدعی است که باید خلاف اصل را ثابت کند و چنانچه قادر به اثبات ادعای خود نباشد حکم به نفع متهم صادر خواهد شد. نتیجه آنکه متهم ملزم نیست بی گناهی خود را ثابت نماید بلکه کافی است با دلایل ابرازی در روحیه قاضی ایجاد شک نماید چنان شکمی که مانع از ایصال به یقین گردد. حال اگر اصل برائت به نفع متهم نباشد بدون

هیچگونه تردید می توانستیم مدعی شویم که به عهده متهم است که در تمام موارد برای ثبوت بی گناهی خود دلایل لازم را ارائه دهد. (المشکینی الارذبیلی، ۱۳۹۶: ۲۳)

دوم: چون بار اثبات دعوی به عهده مدعی می باشد و متهم نباید چیزی را اثبات نماید علیهذا می تواند سکوت نماید، اگرچه می گویند سکوت علامت رضایت است اما این سکوت نمی تواند دلیل علیه متهم باشد بلکه می تواند قرینه ای در کنار سایر ادله و امارات باشد. یعنی بدون وجود دلیل، سکوت نمی تواند به تنهایی دلیل محکومیت متهم قرار گیرد. قانون ایران اگرچه صریحاً اشاره به حق سکوت متهم ننموده است ولیکن اصل سی و هشتم قانون اساسی که مقرر می دارد: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است...»

و ماده ۵۸ قانون تعزیرات که متخلف از این اصل را مجرم قلمداد می کند. چنین استنباط می گردد که متهم حق دارد در بازپرسی سکوت اختیار نماید و به سؤالات بازپرس پاسخ نگوید. لازم به تذکر است که حق سکوت برای متهم در قانون کشور فرانسه پیش بینی شده است ماده ۱۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه می گوید که بازپرس مکلف است قبل از بازجویی به متهم یادآور شود که او می تواند مطلقاً سکوت نماید.

سوم: در یک رسیدگی قضائی چنانچه مدعی نتواند دلایل کافی برای اثبات ادعای خود اقامه نماید و برای قاضی نسبت به اتهام متهم شک حاصل شود چنانچه قاضی به شک خود عمل نماید و متهم را محکوم کند در این صورت اصل مجرمیت را پذیرفته است یعنی اصل را بر مجرمیت متهم قرار داده است و حال آنکه اصل مجرمیت خلاف اصول و مواد یادشده قانونی است که اصل برائت را پذیرفته است. اما اگر شک را نسبت به متهم تفسیر نمائیم. در این صورت اصل برائت را پذیرفته ایم بنابراین یکی دیگر از نتایج اصل برائت تفسیر شک به نفع متهم می باشد.

چهارم: همانطوری که رسیدگی قضائی مستلزم پیمودن راه های قانونی است از بدو ورود متهم به دادگاه تا صدور حکم نهائی ممکن است هفته ها، ماهها و گاهی سال ها به طول انجامد سؤالی که مطرح می شود این است که آیا متهم باید در تمام این مدت مورد در زندان بماند یا اینکه از آزادی برخوردار باشد؟ در جواب این سؤال باید گفت که در قانون آئین دادرسی کیفری راههایی پیش بینی شده که حتی المقدور متهم آزاد باشد و آن عبارت است از قرارهای جانیشینی که جانشین قرار بازداشت موقت می شوند و بر اساس آنها متهم تا صدور حکم باید آزاد باشد و این از نتایج اصل برائت می باشد. و حال آنکه اگر ما به صرف ورود اتهام، متهم را بازداشت کنیم خلاف اصل برائت عمل نموده ایم.

پنجم: اصولاً در رسیدگی های کیفری ابتدا از مدعی خواسته می شود که شکایت خود را مطرح نماید و دلایل اثباتی جهت ادعای خود اقامه نماید و سپس از متهم خواسته می شود که از خود دفاع نماید. این رسیدگی ممکن است حالت تناوب داشته باشد آنچه که مهم به نظر می رسد این است که آخرین دفاع از آن متهم خواهد بود و چه بسا متهم در آخرین دفاع خود مطلبی را می گوید که قاضی را مکلف می سازد در پرونده تجدیدنظر نماید. با اخذ آخرین دفاع از متهم در حقیقت دادرسی به نفع او خاتمه پیدا می کند. و این نتیجه دیگر اصل برائت می باشد.

ششم: یکی از اصول پذیرفته شده در قانون جزا عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری است مگر اینکه به حال متهم سودمند باشد و بالعکس در مورد قوانین شکلی اصل عطف بماسبق شدن این قوانین است چرا که این قوانین برای ایجاد یک وضع مطلوب به وجود می آیند و حقوق متهمین از این راه بهتر رعایت می گردد. سعی در بیشتر رعایت کردن حقوق متهمین چیزی جز نتیجه اصل برائت نمی باشد. (آشوری، ۱۳۸۴: ۶۶-۶۸)

۵- استثناء بر اصل برائت در قوانین (عدم پذیرش اصل برائت)

طبق ماده ۴ ق. آ. د. ک اصل بر برائت است شخصی برای بیگناهی اش نیاز به دلیل و مدرک ندارد. و طبق ماده ۲ می بایست تمامی مراحل دادرسی کیفری مستند به قانون باشد و دادرسی عادلانه و بی طرفانه (ماده ۳ ق. آ. د. ک) براساس اصل برائت به معنای تضمینات کلی است که جهت رعایت حقوق طرفین در فرآیند دادرسی انواع دعاوی نزد در مکانیزم قضایی پیش بینی شده است. رعایت اصول دادرسی عادلانه مستلزم رعایت اصل برائت و براساس آن است و در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقنن دست به نوآوری‌هایی در راستای تحقق بخشیدن به این مهم زده است از جمله: اثبات و ارائه دلیل شاکی یا دادستان (البیته علی المدعی)، تفسیر مضیق قوانین، تشریفات رسیدگی، تفهیم اتهام، حق سکوت و حق برخورداری از وکیل و دیگر اصول منصفانه... و حتی مجازات‌هایی را در مواد مختلف من جمله ماده ۶۳ آ. د. ک و ماده ۵۷۰ تا ۵۸۷ ق. م. ا در نظر گرفته است اما سوالی که این جا ذهن را مشغول مینماید در صورت عدم اجرای قوانین و تخلف مرجع رسیدگی کننده به این تخلفات کجاست آیا فرآیندی که در مرحله اثبات آاز کشف جرم، تحقیق مقدماتی تا صدور رای) اجرا شود در تعارض و تناقض اصل برائت است؟ دلول ماده ۲۳۲ قانون آئین دادرسی کیفری خلاف اصل برائت است. اگرچه قانون آئین دادرسی کیفری، حق تجدید نظر خواهی از رأی محکومیت را به رسمیت شناخته است ولی ماده ۲۳۲ ق. آ. د. ک اصل را بر قطعی بودن احکام گذاشته است و این مغایر با اصل برائت است و قانونگذار بایستی چنین ماده ای را اصلاح نماید. براساس این ماده «آرای دادگاههای عمومی و انقلاب در واقع خلاف مقتضای اصل برائت می باشد. همچنین ماده ۶ ق. آ. د. ک اعتبار امر مختومه را یکی از موارد موقوفی تعقیب و اجرای مجازات دانسته است یعنی اگر کسی قبلاً به اتهامی مورد تعقیب و محکومیت یا برائت قرار گرفته باشد. دوباره نمی توان وی را تعقیب نمود. بر اساس «قاعده البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» و بر اساس نتایجی که برای اصل برائت ذکر نمودیم روشن شد که بار اثبات ادعا بر عهده و مدعی است و این مدعی است که باید بدون هیچگونه تردید معقولی مجرمیت متهم را با دلایل اثباتی خود ثابت نماید. و متهم از آوردن هرگونه دلیلی بر بی گناهی خودش معاف است و حتی او به طور مطلق می تواند سکوت نماید. با وجود این در قانون فعلی ما موردی وجود دارد که بار اثبات دلیل به عهده متهم می باشد یعنی متهم باید بی گناهی خود را در دادگاه ثابت و این در حقیقت استثنائی بر اصل برائت می باشد این مورد خاص باب قسامه می باشد که موضوع ماده ۲۳۹ به بعد از قانون مجازات اسلامی می باشد قسمتی از ماده ۲۴۴ این قانون مقرر می دارد: «... و در صورتی که حضور مدعی علیه هنگام قتل محرز باشد مدعی علیه می تواند برای تبرئه خود اقامه بینه نماید و اگر اقامه بینه نکرد لوث ثابت می شود و مدعی باید اقامه قسامه نماید و در صورتی که از اقامه قسامه امتناع نمود می تواند از مدعی علیه مطالبه قسامه نماید...» ملاحظه می شود که در این مورد خاص بار اثبات دلیل بر عهده متهم می باشد و در ماده ۲۴۶ چنین آمده است: «در مواردی که حضور مدعی علیه در محل قتل محرز باشد چنانچه مدعی علیه برای تبرئه خود بینه معتبر اقامه بینه کند لوث (هرگاه بر اثر قرائن و اماراتی و یا از هر طریق دیگری از قبیل شهادت یک شاهد یا حضور شخصی همراه با آثار جرم در محل قتل یا وجود مقتول در محل تردد یا اقامت اشخاص معین و شهادت طفل ممیز مورد اعتماد و یا امثال آن حاکم به ارتکاب قتل از جانب متهم ظن پیدا کند مورد از بار لوث محسوب می شود.) محقق نمی شود. مفهوم مخالف این ماده آن است که چنانچه مدعی علیه سکوت اختیار نماید و برای تبرئه خود بینه اقامه نکند لوث ثابت خواهد گشت و در این صورت مدعی می تواند اقامه قسامه نماید و حال آنکه بر اساس اصل برائت متهم می توانست سکوت اختیار نماید و در صورتی که دلیلی بر بی گناهی او یافت نمی شد حکم تبرئه متهم صادر می گشت.» (امام خمینی ره، ۱۳۸۵: ۱۳۲)

۵-۱- بازداشت موقت و اصل برائت

ضمن تحقیقات مقدماتی گاه اتفاق می افتد که متهم چند ماه و گاه چند سالی را درگیر مسائل قضائی باشد. سؤالی که مطرح می شود این است که آیا در تمام این مدت متهم باید در زندان باشد یا نه؟ در یک دعوی کیفری دادستان و سایر ضابطین دادگستری به کمک شاکی خصوصی آمده، همگی به اتفاق و با استفاده از تمام امکانات سعی در اثبات مجرمیت متهم می نمایند. بدون تردید بازداشت متهم نه تنها به آزادی وی، بلکه به حق دفاع او نیز لطمه وارد خواهد کرد. از طرفی در حالی که شاکی در صدد جمع آوری دلایل آزادانه به هر وسیله ای متمسک می شود، متهم قادر نیست از کسانی که می توانند کمکی به حال او نمایند، استمداد نماید. بازداشت موقت اگر چه در بعضی از موارد به نفع جامعه است (مثل موردی که متهم چوبه‌ی دار را جلوی چشم خویش می بیند و راه فرار برای او میسر نباشد از ارتکاب جرایم مشابه ابائی نخواهد داشت) و در بعضی از موارد به نفع خود متهم است مثل جایی که متهم ممکن است مورد تهاجم مجنی علیه و یا کسانش واقع شود و یا اینکه قصد خودکشی داشته باشد. در این صورت بازداشت موقت وی به نفع جامعه بلکه مفید به حال او خواهد بود، لکن با اصل برائت مغایرت دارد. به علاوه بازداشت موقت در سرنوشت محاکمه شدیداً مؤثر خواهد بود. متهمینی که آزادانه در دادگاه حاضر می شوند شانس برائت آنها بیشتر بوده (یکی از مستشاران دادگاه های استان پاریس در کنگره عالی قضات فرانسه اذعان داشت که: «دیوان عالی قضائی وقتی متهمی را که در توقیف احتیاطی نبوده، محاکمه می کند در محکوم کردن او تردید می نماید...» تحقیقاتی که در کشور امریکا در این زمینه به عمل آمده ثابت می کند که متهمینی که توقیف نمی شوند به طور یقین از گذشت قضات در خصوص تخفیف مجازات یا از جهت اعطای تعلیق و حتی تبرئه شدن برخوردارند. و بر عکس بازداشت موقت متهم غالباً به محکومیت وی لاقبل به میزان مدت بازداشت وی منجر می شود و مشکل عمده جایی است که متهم پس از گذراندن هفته ها و ماهها و گاهی سال ها در زندان، سرانجام به جزای نقدی و یا جزای بدنی کمتر از آنچه که در بازداشت بوده، محکوم و یا به کلی تبرئه گردد. (دادرسان دادگاه عالی جنایی تهران متهم به قتل را که هشت سال در زندان بود بی گناه شناختند و حکم بر برائتش دادند. (به نقل از روزنامه کیهان، مورخ ۱۳۵۱/۶/۲۲))

اگرچه بازداشت موقت ساده ترین راهی است که متهم در دسترس محاکم جزائی باشد اما از این توقیف همیشه استفاده نمی شود بلکه قرارهای دیگری وجود دارد که جانشین قرار بازداشت موقت می باشند و این نتیجه دیگر اصل برائت است که قانونگذار ما بدان توجه نموده است و لذا متهم تا روز محکومیت باید آزاد باشد. اما ممکن است متهم فرار کند. در این صورت دو منفعت در تعارض خواهد بود یکی آزادی متهم است و دیگر منفعت جامعه. حال چنانچه همه متهمین را بازداشت کنیم خلاف اصل برائت است و چنانچه هیچ متهمی را بازداشت نکنیم در این صورت جامعه متضرر خواهد گشت. به منظور جمع بین دو منفعت بازداشت موقت باید امری استثنائی باشد. یعنی اصل این است که متهم با توسل به قرارهای جانشینی تا روز محکومیت آزاد باشد و این مفهوم اصل برائت است. قرارهای جانشینی اگر چه محدودیت هایی برای متهم به وجود می آورد لکن آزادی او را تا زمان محکومیت تضمین می نماید. این قرارها عبارتند از:

۱- التزام حضور به موقع به دادرسی با قول شرف: این قرار خفیف ترین نوع تأمین است که بر حسب آن متهم با دادن قول شرف ملتزم می شود از تاریخ صدور قرار تا خاتمه دادرسی، صدور حکم و اجرای آن و در مواقع احضار به طور مرتب در نزد مراجع کیفری حاضر شود.

۲- التزام حضور به موقع به دادرسی با تعیین وجه التزام: در این نوع تأمین قاضی آزادی متهم را منوط به التزام حضور به موقع به دادرسی با تعیین مبلغ مشخصی وجه التزام می نماید و اینکه از تاریخ صدور قرار تا خاتمه دادرسی و اجرای حکم به طور مرتب در مواقع احضار نزد مراجع کیفری حاضر شود و در صورت تخلف وجه التزام مذکور منبع دولت از وی وصول گردد.

۳- اخذ کفیل: در این نوع تأمین قاضی آزادی متهم را موکول می کند به اینکه شخص دیگری حضور مرتب متهم در مواقع احضار را در برابر مبلغ معینی وجه تعهد و کفالت نماید. اخذ کفیل متداول ترین نوع تأمین در دادسراهای ایران است.

۴- قرار اخذ وثیقه: به موجب این قرار قاضی تصمیم می گیرد که متهم در قبال آزادی خود به میزان معین وجه نقد یا مال منقول و یا غیرمنقول معرفی نماید. مال مورد وثیقه ممکن است از جانب خود متهم و یا شخص ثالث سپرده شود و چنانچه موضوع وثیقه وجه نقد باشد آن را وجه الضمان می گویند. (آخوندی، ۱۳۹۰: ۱۴۰-۱۴۱)

۶- نمونه های عملی استفاده از اصل برائت در محاکم
در محاکم آراء متعددی صادر می شود که نتیجه اصل برائت می باشد ما در اینجا به عنوان نمونه دو رأی را ذکر نموده ایم که در ذیل مشاهده می شود.

قسمتی از رأی شماره ۵۳۱۳ مورخ ۴۴/۱۲/۸

... ثانیاً وجود رابطه نامشروع مقتول و عیال متهم بلا دلیل است ... و سایر دلایل در کیفرخواست و در پرونده از قبیل اظهارات یک نفر زندانی به نام ... دائر بر اعتراف متهم نزد چند نفر زندانی دیگر به ارتکاب قتل، با انکار زندانیان مذکور به اینکه چنین اقراری پیش آنها نشده است و بالجمله با توجه به انکار متهم در سراسر تحقیقات مقدماتی و تحقیقاتی که در دادگاه از او شده، دلیل کافی به ارتکاب قتل از ناحیه متهم محرز و مسلم نیست و دادگاه با توجه به اصل برائت متهم را از بزه انتسابی تبرئه می نماید. (موازین قضائی، هیأت عمومی دیوان عالی کشور، جلد ۳، ص ۳۶۰)

قسمتی از رأی دادگاه کیفری یک اصفهان شعبه ۲۶

... بنابراین دادگاه در خصوص بزهکاری متهم مبنی بر شرکت در منازعه و قتل عمدی مقتول ... به لحاظ انکار متهم در کلیه مراحل تحقیقاتی و فقد دلایل اثباتی شرعی با استظهار از اصل برائت مشارالیه را از بزه انتسابی تبرئه می نماید.

۶-۱- حقوق تطبیقی در اصل برائت

اصل برائت به عنوان ضمانت اجرای آزادی های فردی در قانون ما پذیرفته شده است و قانونگذار ما تا حدی به این اصل توجه داشته است اما باید دید واکنش قوانین دیگر کشورها و سازمان های بین المللی در قبال این حق برای متهم چیست؟ در بسیاری از قوانین اساسی کشورهای جهان، منشور ملل متحد، اعلامیه های متعدد حقوق بشر و بسیاری از میثاق های بین المللی سخن از آزادی های فردی به میان رفته که به نوبه خود می تواند گویای اصل برائت باشد. به عنوان نمونه به بعضی از قوانین دیگر کشورها در رابطه با اصل برائت اشاره می کنیم.

۶-۱-۱- جایگاه اصل برائت در حقوق اسلامی

اسلام از قرن ها پیش این حق را برای بشر شناخته و به محاکم و مجریان قوانین توصیه کرده است که تا جرم کسی در دادگاه مسلم نشود مجازاتی برای او نخواهد بود و مصونیت قانونی دارد. به عنوان مثال روایت جمیل بن دراج است که از شخصی نقل می کند که او از امام باقر(ع) یا امام صادق(ع) شنیده و نقل کرده است که مردی دزدی کرده یا شراب نوشیده و یا مرتکب زنا شده است و کسی آن را ندانسته و دستگیر نشده تا خود توبه نموده و خویش را اصلاح کرده است. امام می فرماید: در آن صورت حد بر او جاری نمی شود و مصونیت دارد. ابن عمیر می گوید اگر این مرد، فرد بیگانه ای هم بود حد بر او جاری نمی

کردید. امام فرمود: ملاک این است که اگر جرم ثابت نشد و او خود را اصلاح کرد مجازات نخواهد شد. (وسائل الشیعه، جلد ۱۸، باب ۱۶ از ابواب مقدمات حدود حدیث ۱ و ۳) از طرفی محصور بودن ادله در اسلام برای اثبات جرائم و دقت زیاد شرع در کیفیت ارائه دلایل و شهادت شهود خود نمایانگر این مطلب است که شخصی بی گناه مجازات نشود و اسلام اصل را بر بی گناهی فرد گذاشته مگر اینکه جرم او نزد دادگاه صالح به اثبات برسد. ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۹۴۸ که ثمره تلاش کشورهای اسلامی است و از منابع اسلامی اخذ شده است درباره اصل برائت چنین می گوید: «متهم بی گناه است تا اینکه محکومیتش از راه محاکمه عادلانه ای که همه تضمین ها برای دفاع از او فراهم باشد ثابت گردد.»

قاعده مشهور فقهی «البینه علی المدعی و الیمین علی من ادعی علیه» که بار اثبات دلیل را به عهده مدعی گذاشته نشانگر این مطلب است که متهم از نظر قاضی بی گناه محسوب شده و این وظیفه مدعی است که مجرمیت متهم را با دلایل اثباتی ثابت نماید. از طرفی متهم حق سکوت دارد و سکوت اگرچه دلیلی علیه او محسوب نمی شود اما در کنار سایر ادله و امارات می تواند دلیل علیه متهم محسوب شود در مورد حق سکوت متهم در تحریرالوسیله آمده که چنانچه متهم سکوت کرد قاضی به او اخطار می دهد که به سؤال مدعی جواب دهد و الا او را ناکل (ناکل یعنی کسی که از قسم خوردن خودداری نماید). قرار می دهد در صورتی که متهم از دادن جواب خودداری نماید در آن صورت حاکم قسم را حق مدعی دانسته و علیه متهم حکم داده می شود. (تحریرالوسیله حضرت امام خمینی (ره)، جلد ۲، ص ۴۲۵، مسئله ۱)

۶-۱-۲- جایگاه اصل برائت در حقوق فرانسه

قبلاً اشاره کردیم که بازداشت موقت متهم با اصل برائت مغایرت دارد و یک اقدام خشن علیه آزادی افراد به شمار می آید سعی اغلب مقننین در جهان امروزی این است که موارد بازداشت موقت را به حد امکان کاهش دهند تا آزادی های فردی که نتیجه اصل برائت است بهتر فراهم آید. قانونگذار فرانسه در این زمینه گوی سبقت را از دیگران ربوده است و از دیرباز به این مسئله توجه خاصی داشته است. قوانین مصوب در این کشور موید سخن ماست. به عنوان مثال: در قانون جدید فرانسه که در ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ به تصویب رسیده است بازپرس مکلف است از همان ابتدا قرار بازداشت موقت را موجهاً صادر نماید و در این قرار، عدم امکان سایر قرارهای جانشینی بایستی مستدلاً بیان شود و حال آنکه در سایر کشورها چنین اجباری وجود ندارد. از طرفی در قانون فرانسه برای اینکه آزادی متهم به نحو مطلوبی رعایت شود تعداد قرارهای جانشینی (قرارهای جانشینی قرارهایی هستند که به جای قرار بازداشت موقت متهم به کار می روند و به موجب آنها متهم تا زمان محکومیت آزاد خواهد بود). را به ۱۲ قرار افزایش داده است و به نام کنترل قضائی موسوم است. بازپرس در این کشور می تواند به جای صدور قرار بازداشت مثلاً گواهینامه رانندگی، پاسپورت و کارت شناسائی متهم را اخذ کند یا او را از راندن اتومبیل منع نماید و یا متهم را در صورتی که ارتکاب جرم معلول اعتیاد یا سایر بیماری های روانی باشد به مؤسسات دولتی جهت درمان روانه سازد. از طرف دیگر قانونگذار ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ فرانسه مسئولیت دولت را در قبال توقیف های احتیاطی غیرموجه که منجر به صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب می گردند، پذیرفته است. (آشوری، پیشین: ۱۴۶)

در قانون فرانسه نه تنها داشتن وکیل حقی برای متهم تلقی گردیده بلکه تکلیفی نیز در این مورد برای بازپرسی وجود دارد و آن الزام نامبرده به اعلام حق داشتن وکیل برای متهم قبل از آغاز هرگونه بازپرسی است. بند ۳ ماده ۱۱۴ ق.آ.د.ک فرانسه مقرر می دارد: قاضی تحقیق باید متهم را از حق داشتن وکیل آگاه سازد و حتی بند ۱ وی را مکلف نموده است که متهم را آگاه کند که طبق مقررات او می تواند سکوت اختیار نموده و مطلقاً اظهاری ننماید. به طوری که ملاحظه می گردد حق داشتن وکیل و حق سکوت متهم اقداماتی جهت تضمینات دفاع وی محسوب شده و نمایانگر بی گناهی او نزد قانونگذار است.

۶-۱-۳- جایگاه اصل برائت در حقوق انگلیس

مقررات فوق الذکر در حقوق فرانسه تا حدودی شبیه به مقررات حاکم بر متهمین در مرحله تحقیقات مقدماتی در حقوق انگلیس و امریکا است که در آن کشورها در همه مراحل سیستم اتهامی معمول است در این کشورها نه تنها قاضی تحقیق بلکه حتی پلیس از همان آغاز دستگیری متهم مکلف است به وی اعلام نماید که حق دارد سکوت اختیار نموده و تا حضور وکیل از اداء هرگونه مطلبی پیرامون اتهام وارده امتناع نماید.

در رسیدگی های کیفری حقوق انگلیس درمورد اصل برائت چنین آمده است: در محاکم کیفری فرضی وجود دارد که متهم بی گناه است و وظیفه تعقیب کنندگان است که بدون هیچگونه تردید معقولی ادله ای را ارائه نمایند که هیأت منصفه را نسبت به مجرمیت متهم متقاعد نمایند.

البته فرض بی گناهی متهم تنها در دعاوی کیفری است اما در حقوق انگلیس در مورد دعاوی مدنی بار اثبات دعاوی بر اساس توازن احتمالات است. (نجفی ابرنآبادی، پیشین: ۵۵)

۶-۱-۴- جایگاه اصل برائت در قانون حمورابی

قوانین حمورابی که یکی از قدیمی ترین و کامل ترین قوانین مربوط به ۴۰۰۰ سال پیش است. اصل برائت را یکی از اصول مهم آئین دادرسی خود می داند ماده ۱۳۱ مقرر می دارد: «هرگاه مردی به زوجه خود بدگمان شود او را متهم نماید در صورتی که مشارالیه را با مرد اجنبی هم بستر ندیده باشد. زن بر برائت خود به خداوند سوگند خورده و در خانه شوهر خود باقی خواهد ماند.»

در همین زمینه ماده ۲۶۶ مقرر می دارد: اگر به علت حوادث آسمانی خسارتی بر گله وارد شده و یا درنده ای یکی از آنها را بدرد و شبان هم بنام خداوند سوگند بخورد ذمه وی بری و ضرر متوجه صاحب احشام می باشد. (تثوفیل، پیشین: ۴۲)

همانطوری که ملاحظه می شود اثبات مجرمیت متهم به عهده مدعی است و چون دلیلی بر علیه متهم وجود ندارد بر اساس قاعده «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» یمین متوجه مدعی علیه شده و او برای تبرئه و بی گناهی خود سوگند یاد می نماید.

نتیجه

از آنچه بیان شد نتیجه می گیریم که اصل برائت به عنوان یکی از اساسی ترین اصول در کشورهای پیشرفته در قوانین اساسی و قوانین آئین دادرسی کیفری آنها پذیرفته شده است. از طرفی اصل برائت به معنی حقوقی با آنچه که در فقه اسلامی مورد بحث می باشد متفاوت است اگرچه در بعضی جهات با هم شباهت هایی دارند. اصل برائتی که در مباحث حقوقی مطرح است نقطه مقابل اصل مجرمیت است بدین معنی که اصل، بر بی گناهی متهم فرض می شود مگر اینکه خلاف آن ثابت شود و چون مجرمیت متهم خلاف اصل می باشد اثبات آن به عهده مدعی خواهد بود. اما برائتی که در مباحث فقهی و اصولی مطرح است به معنی برائت از تکلیف می باشد. از طرفی مبنی حجیت اصل برائت حقوقی با اصل برائت فقهی به عمومه مشابه هستند.

از طرفی آثار و نتایج این دو اصل با هم متفاوت می باشد و در قانون ما محدوده اش وسیع است یعنی مبنی حجیت اصل برائت در قانون اساسی و قانون جزا و قانون مدنی مطرح شده است. از طرفی قاضی حق اعمال این اصل را به طور مطلق نداشته، بلکه طبق شرایطی قاضی حق اعمال آن را دارد. ضوابط قانونی اصل برائت را می توان در قوانین ملی کشورها و قوانین بین المللی جستجو نمود که این گاهی در جهت بین المللی کردن رعایت حقوق متهمین می باشد.

در خاتمه باید گفت: اگرچه سلسله مباحث فرض بی گناهی متهم (اصل برائت) مورد بحث در حقوق موضوعه ایران است لکن برای تعیین جایگاه این اصل بحث تطبیقی نیز داشتیم که امید است قلم بر پای صحیح قدم برداشته باشد. بیان این نکته ضروری است که به نظر می رسد قانونگذار ما باید توجه بیشتری به اصل برائت داشته باشد تا حقوق متهمین بهتر رعایت شود چرا که کوثر عدالت، علی علیه السلام می فرماید: «اگر هزار مجرم از دست عدالت فرار کنند بهتر است از اینکه شخص بی گناهی مجازات شود»

منابع

۱. قرآن کریم
۲. آخوندی، دکتر محمود، (۱۳۹۰)، آئین دادرسی کیفری، ج ۲، تهران: طبع و نشر
۳. آخوندی، محمود؛ آئین دادرسی کیفری؛ جلد اول، چاپ یازدهم، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳
۴. آشوری، محمد، عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی، نشریه: مرکز اطلاعات علمی (مجازی) سال: ۱۳۵۵ دوره: ۵ | شماره: ۱
۵. آشوری؛ محمد، ۱۳۷۶، عدالت کیفری آئین دادرسی کیفری ۱ و ۲، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶
۶. آخوند خراسانی، ملامحمد کاظم، کفایه الاصول، المحقق مجتبی المحمودی. ج ۲، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۳۱ق.
۷. امام خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، ۱۳۸۵.
۸. المشکینی الاردبیلی، علی، تحریر المعالم فی اصول الفقه، قم: چاپخانه مهر قم ۱۳۹۶ ه.
۹. آشوری، محمد؛ آئین دادرسی کیفری؛ جلد اول، چاپ نهم، انتشارات سمت، ۱۳۸۴
۱۰. بطحائی گلپایگانی، سید هاشم، ۱۳۹۸، حقوق بشر در اسلام، قم: سلسبیل
۱۱. گلدوزیان، دکتر ایرج، (۱۳۹۳)، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات مجد، ج ۲.
۱۲. شامبیاتی، هوشنگ؛ (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.
۱۳. محمدباقر، صدر شهید، ۱۳۹۶، علم اصول، تهران: امیرکبیر
۱۴. ماهنامه قضائی، جلد ۸۹، سال ۱۳۵۲
۱۵. محمدبن الحسن الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب جمله من آداب قضا، حدیث ۳
۱۶. شیخ انصاری، فوائد الاصول، شعبان المعظم ۱۴۱۹ المطبوعه: باقری - قم الناشر: مجمع الفکر الإسلامی
۱۷. شرتونی، ۱۳۹۰، اقرب الموارد؛ معلوف، المتجدد؛ دهخدا، لغت نامه دهخدا
۱۸. حبیب زاده، محمد جعفر، ۱۳۹۸، اصل برائت در نظام حقوقی ایران و مبانی فقهی آن، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه تربیت مدرس - دانشکده علوم انسانی
۱۹. حسن زاده، مهدی؛ وضعیت صدور حکم به نفع خواننده دعوی مدنی بر اساس اصل برائت و بدون سوگند او، مجله: حقوقی دادگستری « بهار ۱۴۰۱ - شماره ۱۱۷ رتبه ب/ ۱۶) ISC صفحه - از ۴۳ تا ۵۸
۲۰. حجتی کرمانی، علی؛ سیر قضاوت در ادوار مختلف تاریخ (تهران: انتشارات مشعل، ۱۳۸۹

۲۱. گریانگ ساک گیتی؛ حقوق بین الملل کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳)
۲۲. لطفی خاچکی، سروس؛ اصل برائت و اعمال آن در حقوق موضوعه کیفری ایران؛ رساله کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۹
۲۳. تئوفیل، مایک؛ قانوننامه حمورابی؛ مترجم: عبدی، کامیار؛ چاپ اول، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۳
۲۴. منصور، رحمدل، قانون اساسی ایران و اصل برائت، فصلنامه حقوق اساسی ۱۳۸۵ شماره ۶ و ۷
۲۵. صدر، محمد باقر، دروس فی علم الاصول، ج ۴، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، قم، چاپ هفتم، ۱۴۲۶ق
۲۶. هاشمی باجگانی، سید جعفر، بررسی تطبیقی اصول محاکمات مدنی، ص ۲۲۵، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، چاپ اول
۲۷. محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، چاپ ۲۱.
۲۸. شمس، دکتر عبدالله، ۱۳۸۵ آیین دادرسی مدنی دوره‌ی پیشرفته، جلد دوم، ص ۲۲۷، انتشار دراک.
۲۹. محمدی، دکتر ابوالحسن، (۱۴۰۱) مبانی استنباط حقوق اسلامی، (اصول فقه) تهران: دانشگاه تهران
۳۰. ملکی، رضا؛ اصل برائت و مبانی فقهی آن؛ رساله کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۳
۳۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ تقریرات درس تاریخ حقوق کیفری؛ دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸.
۳۲. نوربها، رضا؛ (۱۳۸۳)، زمینه‌ی حقوق جزای عمومی، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۳۳. قوانین (قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون مدنی، آئین دادرسی کیفری و مدنی، اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه حقوق بشر اسلامی و اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل)

The principle of acquittal or (presumption of innocence of the accused) in the subject law of Iran

Abstract

Background and Purpose; The following content is under the title of the principle of acquittal (presumption of innocence of the accused) in Islamic Iranian law. The principle of criminal acquittal with the presumption of innocence was explicitly mentioned for the first time in Article 9 of the French Declaration of Human Rights in 1789, and since today the legal system that governs most legal systems in the world, including Iran's legal system, is based on Based on a combination of the system of legal reason and the system of persuasion of the judge's conscience, which seems to be the closest way to justice and fairness, and accepting that the first legal system that accepted the principle of acquittal in a legal form and according to its current meaning is the Islamic legal system. be The principle of acquittal as one of the governing principles of criminal law and criminal proceedings, which has a deep connection with the protection of individual rights and freedoms in society, has a valuable position in international human rights documents and is also included in the constitution and ordinary laws of the Islamic Republic of Iran. Expression and emphasis has been placed.

research method; The research method in this proposal has been descriptive-analytical, in this research, research and analysis were done using databases and computer networks.

research findings; The findings of the research show that regardless of this recognition in international documents and domestic laws, first of all, our judicial procedure is not in sync with the aforementioned legislative policy and there is a long distance from theory to practice in institutionalizing the principle of innocence and its effects in criminal proceedings. Secondly, in the normal laws of the Islamic Republic of Iran, there are cases that show the legislator's disregard or lack of belief in this important principle of criminal law, and therefore it is necessary for the Iranian legislator to take major steps in this direction, and secondly, a more active judicial procedure and More capable than in the past, adhere to the laws related to the principle of innocence and its effects, and apply these regulations in accordance with the rights of the accused.

Keywords: principle of innocence, principle of guilt, criminal legislation, burden of proof, principles of human rights
